

مؤسسه مشرق‌الاذکار

بیانیه و مجموعه‌ای تهیه شده توسط دایره مطالعه نصوص و الواح

سپتامبر ۲۰۱۷

* * *

مؤسسه مشرق‌الاذکار

بیانیه‌ای تهیه شده توسط دایره مطالعه نصوص و الواح

سپتامبر ۲۰۱۷

ترجمه هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی

بیت العدل اعظم در پیام مورّخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ خود خطاب به بهائیان ایران مشرق‌الاذکار^۱ را ”مفهومی منحصر به فرد در تاریخ ادیان و نمادی از روح تعالیم اساسی الهی در این دور یزدانی“^۲ توصیف فرموده سپس می‌فرماید که مشرق‌الاذکار ”مکانی برای نیایش و عبادت پروردگار“ است که

ابواب آن به روی همگان از هر دین و آیین، و هر قوم و ملت باز است و با تساوی کامل، زن و مرد، پیر و جوان و کودک را پذیراست؛ مأمنی است مناسب برای تأمل و تعمق در مفاهیم روحانی و تفکر در مسائل بنیادین زندگی مانند مسئولیت فردی و جمعی برای بهبود وضع اجتماع.^۳

اهمّیت فوق‌العاده این مؤسسه بی‌نظیر برای وحدت و رفاه نوع بشر در سراسر آثار مبارکه بهائی تأکید شده است. به عنوان مثال، حضرت بهاء‌الله می‌فرماید ”طوبی از برای نفوسیکه در مشرق‌الاذکار بذکر مولی‌الْأخیار مشغولند“.^۴ حضرت عبدالبهاء تأکید می‌فرماید که در حالی که مشرق‌الاذکار ”در نقطه خاک تأسیس میگردد ولی بحقیقت از تأسیسات ملأ اعلی است“ و ”کنگره‌اش متواصل بعنان آسمانست“.^۵ در لوحی دیگر، آن حضرت به این مکان به عنوان ”مطلع الأنوار ... و مجمع ابرار“ اشاره می‌فرماید که در آن ”نفوس نفیسه ... نماز آغاز کنند و بیدایع الحان ترتیل آیات گردد و ترنیم مناجات“ آنچنانکه ”اهل ملأ اعلی استماع نمایند و فریاد یاطوبی و یابشری برآرند“.^۶ حضرت عبدالبهاء می‌فرماید این بنا که ”اول تأسیس پروردگار واضح و آشکار است“،^۷ بنای چنان پرعظمتی است که حتی ”وضع خشتی از مشرق‌الاذکار یا توابع آن نظیر بنیانی عظیم است“.^۸ حضرت شوقی افندی می‌فرماید که مشرق‌الاذکار ”نماد و مبشّر نظم جهانی حضرت بهاء‌الله“^۹ است و بیت العدل اعظم آن را به عنوان مشعلی فروزان ”در مقابل تاریکی ظلم و عدوان“^{۱۰} توصیف می‌فرماید. هشت معبد قاره‌ای هم‌اکنون عالم را منور می‌سازد در حالی که بنای معابد محلی و ملی نیز در حال پیدایش است؛ هر یک ”کل را به عبادت

خالق متعال و ربّ مختار و مطلع انوار دعوت می‌نماید^{۱۱} تا ”تمامی یک قوم یا جمعیت را به سوی احساسی عمیق از مقصد مشترک نائل گرداند.“^{۱۲} هر یک از این معابد ما را به یاد وعده حضرت عبدالبهاء می‌اندازد که ”صدهزار مشرق‌الاذکار تأسیس خواهد شد در نهایت شکوه و ابّهت و عظمت.“^{۱۳}

برای کمک به درکی بیشتر از ماهیت این مؤسسه الهی و مفاهیم عمیق آن برای تجدید حیات روحانی نوع بشر، مجموعه منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و همچنین از نامه‌هایی که توسط حضرت شوقی افندی یا از طرف ایشان نوشته شده و دستخط‌های بیت العدل اعظم یا نامه‌هایی که از طرف آن معهد نوشته شده، به ضمیمه ارائه می‌شود. برخی از مفاهیمی که می‌توان آنها را از بخش‌های مختلف این مجموعه استخراج کرد ذیلاً مورد بحث قرار گرفته است.

۱. تأثیرات مشرق‌الاذکار

در کتاب اقدس، حضرت بهاء‌الله خطاب به مردمان جهان می‌فرمایند:

عَمِّرُوا بَيُوتًا بِأَكْمَلِ مَا يُمْكِنُ فِي الْأَمْكَانِ بِاسْمِ مَالِكِ الْأَدْيَانِ فِي الْبُلْدَانِ وَ زَيِّنُوهَا بِمَا يَنْبَغِي لَهَا لَا بِالصُّورِ وَ الْأَمْثَالِ ثُمَّ اذْكُرُوا فِيهَا رَبِّكُمْ الرَّحْمَنَ بِالرُّوحِ وَ الرِّيحَانِ الْا بِذِكْرِهِ تَسْتَتِيرُ الصُّدُورُ وَ تَقَرُّ الْأَبْصَارُ.^{۱۴}

حضرت عبدالبهاء اهمیت این مؤسسه را تشریح فرموده مشرق‌الاذکار را ”مغناطیس تأیید پروردگار“، ”اساس عظیم حضرت آمرزگار“ و ”رکن رکن آئین کردگار“ می‌نامند. آن حضرت در همان لوح می‌فرماید که تأسیس مشرق‌الاذکار ”سبب اعلاء کلمه الله“ و ”تهلیل و تسیحش مفرّج قلوب هر نیکوکار“ است. لذا احبّا را ترغیب می‌فرماید که ”در آن محل بنماز و عبادت حضرت پروردگار و ترتیل آیات و کلمات الهیه و ترنیم قصائد و نعوت رحمانیه مشغول گردند.“^{۱۵}

در بیانی دیگر، حضرت عبدالبهاء توصیف می‌فرماید که مشرق‌الاذکار ”محلّ انشراح ارواح شود و مرکز انجذاب قلوب بملکوت ابهی“^{۱۶} و تأکید می‌فرماید که این مکان ”تأثیری عظیم در جمیع مراتب دارد“،^{۱۷} سبب تنبّه و تذکّر یاران الهیست^{۱۸} و سبب حصول وحدت عالم انسانی.^{۱۹} اجتماع در این بنای مقدّس به نیت حمد و ذکر خداوند متعال ”سبب الفت“^{۲۰} می‌شود و محبّت ”در قلوب“^{۲۱} رشد نموده شکوفا می‌گردد. از طریق مشرق‌الاذکار ”قلوب نورانی گردد و نفوس روحانی شود و نفحات ملکوت ابهی بمشام آید“، ”عالم انسانی عالم دیگر گردد و احساسات قلبی چنان قوّت گیرد که جمیع وجود را احاطه نماید.“^{۲۲} بنا بر بیان حضرت شوقی افندی تأثیر مشرق‌الاذکار ”لایتناهی و شگفت‌انگیز“^{۲۳} است، ایمان فرد را مستقیماً تقویت می‌کند و در عین حال به فرموده حضرت عبدالبهاء ”اعظم واسطه نشر نفحات الله“^{۲۴} است. بیت العدل اعظم در نامه‌ای که از طرف آن معهد نوشته شده، می‌فرماید که ”مشرق‌الاذکار مرکز توجّه همگان در هر جامعه‌ای می‌گردد.“ و ”در مقام نمادی پرقدرت و عنصری اساسی از مدنیت الهی که ظهور حضرت بهاء‌الله همه اهل عالم را به سوی آن دعوت می‌نماید.“^{۲۵} حضرت عبدالبهاء می‌فرماید ”و يهرعون النَّاسُ إِلَى التَّبَتُّلِ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ يَنْتَشِرُ نَفَحَاتُ اللَّهِ وَ تَعْلُو كَلِمَةُ اللَّهِ وَ تَتِمَّكَّنُ تَعَالِيمُ اللَّهِ مِنَ الْقُلُوبِ تَمَكَّنَ الرُّوحُ فِي النَّفُوسِ وَ يَسْتَقِيمُ النَّاسُ عَلَى أَمْرِ رَبِّكَمُ الرَّحْمَنِ.“^{۲۶}

۲. مکانی برای نیایش

حضرت عبدالبهاء تشریح می‌فرمایند که ”قلوب صافیة نورانیة مشارق اذکار است و آهنگ تبّتل و تضرّع متواصل بملاً اعلی“ و نیز می‌فرمایند که اگر قلوب احبّا به فضل حضرت یزدان به معابد الهی مبدّل گردد، ”البته در بنای مشرق‌الاذکار نهایت همّت و غیرت خواهند نمود تا ظاهر عنوان باطن گردد و صورت خبر از معنی دهد.“^{۲۷} موضوعات متعدّدی در آثار مبارکه مربوط به این مکان عبادت و واقعیت باطنی‌ای که آشکار می‌سازد یافت می‌شود از جمله قوّه دعا و مناجات، تأثیرات عبادت جمعی، و ماهیت نیایش در بنای مرکزی خود مشرق‌الاذکار.

در کتاب مستطاب اقدس، حضرت بهاء‌الله بر قوّه مکنونه تلاوت آیات الهی در مشارق اذکار تأکید می‌فرماید:

عَلِّمُوا ذُرِّيَّاتَكُمْ مَا نَزَلَ مِنْ سَمَاءِ الْعِظْمَةِ وَ الْاِقْتِدَارِ لِيَقْرَؤُوا الْوَحَّ الرَّحْمَنَ بِأَحْسَنِ الْأَلْحَانِ فِي الْغُرَفِ الْمُنِيَّةِ فِي مَشَارِقِ الْأَذْكَارِ إِنَّ الَّذِي اخَذَهُ جَذَبَ مَحَبَّةَ اسْمِي الرَّحْمَنِ أَنَّهُ يَقْرَأُ آيَاتِ اللَّهِ عَلَى شَأْنٍ تَجْذِبُ بِهِ افْتِدَاءَ الرَّاقِدِينَ هِنَاءً لِمَنْ شَرِبَ رَحِيقَ الْحَيَوَانِ مِنْ بَيَانِ رَبِّهِ الرَّحْمَنُ بِهَذَا الْاسْمِ الَّذِي بِهِ نَسَفَ كُلَّ جَبَلٍ بِادْخِ رَفِيعٍ.^{۲۸}

بیت العدل اعظم موضوع قوّه دعا و مناجات را تشریح نموده و توضیح می‌دهند که دو مظهر ظهور الهی به ما آموخته‌اند که ”دعا و مناجات گفتگویی است مستقیم و بدون واسطه بین روح بشر و خالق او“، ”شب‌نم صبحگاهی“ است که ”موجب طراوت و لطافت قلوب می‌گردد“ و ”ناری است که حجابات را می‌سوزاند و نوری است که انسان را به سوی پروردگار می‌کشاند.“^{۲۹} کیفیت دعا اهمیت اساسی دارد و ”موجب پرورش قابلیت‌های نامحدود روح و سبب جلب تأییدات الهی می‌گردد.“ قوّه دعا و مناجات وقتی ظاهر می‌شود که ”انگیزه اصلی آن محبت الله باشد“ و به فرموده بیت العدل اعظم ”با صداقت و پاکی دل تلاوت شود“،

تا موجب تعمّق و تأمل و سرانجام شکوفایی عقل و خرد انسانی گردد. چنین نیایش بی‌آلایشی از محدوده حروف و کلمات بگذرد و از اصوات و نغمات فراتر رود؛ حلاوت نغمه و آهنگش شادی آفریند، قلوب را به اهتزاز آرد، بر نفوذ کلمات بیفزاید، تمایلات دنیوی را به صفاتی ملکوتی تبدیل نماید و محرک خدمات خالصانه به عالم انسانی گردد.^{۳۰}

موضوع دوّم عبادت جمعی است که بهائیان و دوستان‌شان در سراسر جهان آن را پایه و اساس الگوی مجهودات جمعی به منظور ترقی روحانی و مادی جامعه می‌دانند. لازمه این الگو به فرموده بیت العدل اعظم ”جلسات دعا و مناجات می‌باشد که جنبه‌ای جمعی از حیات روحانی و ابعادی از مفهوم مشرق‌الاذکار است.“^{۳۱} جلسات نیایش و دعا وقتی ”جزئی جداناپذیر از حیات جامعه“ شود ”فرصتی است که هر فردی می‌تواند با ورود به آن از نفحات روحانی مستفیض گردد، حلاوت دعا را تجربه نماید، در کلام خلاق الهی تأمل کند و با بال و پر روح پرواز نموده به راز و نیاز با محبوب یکتا پردازد.“^{۳۲} برگزاری جلسات دعا ”گامی دیگر در جهت اجرای“ حکم مشرق‌الاذکار است،^{۳۳} حکمی که در هر محله به روح مشرق‌الاذکار اشاره می‌کند.^{۳۴}

موضوع سوّم نحوه انجام عبادت در مشرق‌الاذکار است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که مشارق اذکار ”سبب ثبات و استقامت احبّا و محلّ تضرّع و ابتهال بساحت کبریا“^{۳۵} است. لازمه چنین عبادتی و ایجاد محیطی که حضرت شوقی افندی به

عنوان “جو آرام و روحانی”^{۳۶} توصیف فرموده‌اند کنار گذاشتن تجملات و تشریفات مفصل است. همانطور که بیت العدل اعظم فرموده‌اند، هیکل مبارک

تجملات و تشریفات مفصل و نمایشی را تقبیح فرموده انداز می‌فرمایند که مبدا “محوطه داخلی بنیان مرکزی به مجموعه‌ای از مراسم مذهبی و نیایشی” تبدیل گردد و یا اینکه “منظره‌ای از مراسم و مناسک فرقه‌ای نامنسجم و مغشوش” شود.^{۳۷}

بالعکس، جلسات دعا و مناجات باید از هرگونه یکسانی یا رسوم و مناسک فراتر رود،^{۳۸} و همانطور که حضرت شوقی افندی در نامه‌ای که از طرف ایشان صادر شده توصیه می‌فرمایند باید “ساده و موقر و به نحوی برگزار شود که روح را با استماع کلام خلاق الهی به اهتزاز آورده تعلیم و تعالی بخشد.”^{۳۹} در نامه دیگری صادره از جانب آن حضرت می‌فرمایند که “هر چقدر خصوصیت عبادت بهائی در مشرق‌الاذکار عمومی‌تر و غیر رسمی‌تر باشد مطلوب‌تر است.”^{۴۰}

اینگونه عبادات می‌تواند با اجرای موسیقی همراه باشد.^{۴۱} در نامه‌ای صادره از طرف بیت العدل اعظم، آن معهد تصریح می‌فرمایند که متن سرودها برای استفاده در مشرق‌الاذکار باید “بر اساس آثار بهائی بوده یا متون مقدسه دیگری”، از جمله آثار و خطابات حضرت عبداله‌اء و باید “مضامین بهائی را دارا” باشد،^{۴۲} ممکن است شامل “تکرار آیاتی از ادعیه یا منتخباتی از آثار مبارکه” باشد، و “تغییرات جزئی ... به اقتضای هماهنگی با ضرورت‌های موسیقی” مجاز است.^{۴۳} “تعیین سبک موسیقی یک قطعه هنری به عهده آهنگ‌ساز است مشروط بر اینکه به وظیفه روحانی خویش در رعایت حفظ شأن و احترام مقام و حرمت آثار مقدسه توجه داشته باشد.”^{۴۴}

با اتخاذ یک چنین رویکردی ساده اما پذیرا، مشرق‌الاذکار یک ویژگی متمایز ظهور حضرت بهاءالله یعنی اصل وحدت در کثرت را تجسم می‌بخشد و بنا به فرموده حضرت شوقی افندی، با بنیان رفیعش “روح زنده آزاد آئین رب العالمین را بر روی زمین بظاهر ظاهر مثالی برانزده و تمثالی پاینده میسر و مقرر” می‌گردد.^{۴۵} حضرت عبداله‌اء می‌فرمایند:

مشرق‌الاذکار در عالم ناسوت بنیان الهی است و سبب حصول وحدت عالم انسانی زیرا جمیع ملل در مشرق‌الاذکار متحد و متفق شوند و باهنگ توحید به تسبیح و تهلیل رب جنود پردازند.^{۴۶}

۳. عبادت و خدمت

هر چقدر قوای روحانی منبعث از عبادت فردی و جمعی در مشرق‌الاذکار مؤثر و نافذ است و هر چقدر یک زندگی توأم با نیایش پویا برای پیشرفت روحانی فرد امری ضروری است، ولی به فرموده بیت العدل اعظم، “نیایش و پرستش پروردگار ... باید منشأ ثمر و اثری در عالم وجود گردد.”^{۴۷} حضرت شوقی افندی می‌فرمایند که هدف اصلی جامعه امر — جامعه‌ای با “بنیانی الهی، با وحدتی ارگانیکی، با بینشی روشن، و با حیاتی پویا” — ملهم “از دو اصل هدایت‌کننده می‌باشد، عبادت خداوند و خدمت به هم‌نوع.”^{۴۸} به راستی، رابطه ضروری بین این اصول هدایت‌کننده، جزء لاینفک وحدت عالم انسانی است که به فرموده بیت العدل اعظم، “اصل عامل و در عین حال هدف غایی” ظهور حضرت بهاءالله است.^{۴۹}

جدایی ناپذیری عبادت و خدمت که به طور کامل در مشرق‌الاذکار تجلّی می‌یابد با اشتغال جامعه در اجرای مؤثرتر تمهیدات چارچوب عملش به تدریج آشکار می‌شود. بیت العدل اعظم می‌فرماید که احبّا ”در انجام این وظایف ارزش تعامل پویا بین عبادت و خدمت را که از شرایط ارتقای پیشرفت روحانی، اجتماعی و مادی جامعه می‌باشد فراموش نکرده‌اند.“^{۵۰} در پیام رضوان ۲۰۲۱، بیت العدل اعظم می‌فرماید:

مشرق‌الاذکار که حضرت عبدالبهاء آن را یکی از ”اعظم تأسیسات عالم انسانی“ توصیف فرموده‌اند دو جنبهٔ اساسی و تفکیک‌ناپذیر حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت را به هم می‌پیوندند. پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعالیت‌های جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است به خصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلّی است و فرایند آموزشی که توان‌مندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد می‌نماید. ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرّک و اشتغال به فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیر می‌باشد.^{۵۱}

۴. ملحقات مشرق‌الاذکار

حضرت شوقی افندی می‌فرماید که در میقات مقرر در حول بنای مرکزی مشرق‌الاذکار ”مؤسّسات خدمات اجتماعی مانند آنهایی که برای تسکین مصیبت‌زدگان، اعانت به فقرا، پناه مسافران، تسلّی محرومان و تعلیم عوام“ است تأسیس خواهد شد.^{۵۲} بیت العدل اعظم می‌فرماید که لزوم قطعی ”انسجامی پویا بین نیازهای روحانی و عملی زندگی بر روی کرهٔ زمین“ در حکم نازله از قلم اعلی در بارهٔ تأسیس مشرق‌الاذکار — مرکز روحانی هر جامعهٔ بهائی که در اطراف آن ملحقاتی برای پیشرفت اجتماعی، بشردوستانه، آموزشی و علمی نوع انسان باید شکوفا گردد، ”به طور واضح بیان شده است.“^{۵۳} در این مورد حضرت عبدالبهاء تشریح می‌فرماید که مشرق‌الاذکار ”مربوط باسپیتال و اجزایخانه و مسافرخانه و مکتب اطفال ایتم و مدرسهٔ تدریس علوم عالیه است.“ لذا ”مشرق‌الاذکار ... مجرد عبارت از محلّ عبادت نیست بلکه از هر جهت مکمل است.“^{۵۴}

حضرت شوقی افندی اهمّیت تأثیرات متقابل مابین عبادت و خدمت را تأکید فرموده دیدگاه ذیل را در مورد رابطهٔ متقابل بین بنای مرکزی مشرق‌الاذکار و ملحقات آن بیان می‌نماید:

عبادت بهائی هر قدر مفهومش متعالی و انجذابش شدید باشد ولی جدا از اقدامات اجتماعی و بشردوستانه و مساعی آموزشی و علمی متمرکز در ملحقات مشرق‌الاذکار، هرگز نمی‌تواند نتایجی برتر از ثمرات ناچیز و غالباً زودگذر حاصله از تأملات زاهد گوشه‌گیر و یا عبادات عابد بی‌تحرّک داشته باشد. اینچنین عبادتی نمی‌تواند به نفس عبادت‌کننده رضایت و نفعی پایدار ببخشد تا چه رسد به عامهٔ نوع بشر مگر آنکه در خدمت مجدّانه و خالصانه به عالم انسانی حلول و تجسّد یابد، خدمتی که ترویج آن اعظم موهبت ملحقات مشرق‌الاذکار است. مساعی نفوسی که در حول و حوش مشرق‌الاذکار به تمشیت امور جامعهٔ مشترک المنافع آتی بهائی اشتغال خواهند داشت نیز هر قدر خالصانه و مجدّانه، ثمربخش و مؤثر نخواهد بود مگر آنکه هر روز با عوامل روحانیّه متمرکز در بقعهٔ مشرق‌الاذکار و منتشر از آن قرین گردد. هیچ چیز جز فعل و انفعال مستقیم و مستمرّ بین قوای روحانیّه ساطعه از این مشرق‌الاذکار و متمرکز در قلب این معبد، و همم عالیه و مساعی مبذولهٔ نفوسی که امور آن را در راه خدمت به نوع بشر اداره می‌کنند، ممکن

نیست بتواند عوامل ضروری‌ای را فراهم نماید که آلام و اسقام مزمنه‌ای که بشریت را به شدت مبتلا نموده است برطرف سازد. زیرا نجات و فلاح جهان پرمشقت، به یقین مبین بالمآل منوط به آگاهی نفوس از دریاق اعظم آیین حضرت بهاءالله است که از یک طرف با ارتباط معنوی با روح آن حضرت و از طرف دیگر با تنفیذ حکیمانه و اجرای خالصانه اصول و قوانین نازله از قلم اعلایش تقویت و تحکیم می‌گردد. در بین همه مؤسساتی که به نام مبارکش منتسب‌اند مسلماً هیچ یک جز مؤسسه مشرق‌الاذکار نمی‌تواند به نحو اکمل و اتم ضروریات عبادت و خدمت بهائی را که هر دو برای تجدید حیات عالم لازم و واجب است تأمین نماید. این است راز عظمت و قدرت و موقعیت بی‌نظیر مشرق الاذکار به عنوان یکی از مؤسسات برجسته‌ای که حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند.^{۵۵}

حرکت‌های اولیه رابطه میان امور روحانی و عملی که در مشرق‌الاذکار متجسم است را می‌توان در تلاش‌های پیش‌گامانه احبای عشق‌آباد ملاحظه نمود. بیت العدل اعظم در پیام ۱ اوت ۲۰۱۴ خطاب به بهائیان جهان می‌فرماید:

در قطعه زمینی مناسب در مرکز شهر که به طراز قبول نفس جمال مبارک مزین شده و سالیان قبل ابتیاع گردیده بود، ساختمان‌هایی برای رفاه همگانی ساخته شد از جمله سالی برای تشکیل جلسات، مدارس برای کودکان، مسافرخانه‌ای برای بازدیدکنندگان، و یک درمان‌گاه کوچک. یکی از علایم موفقیت‌های قابل ملاحظه بهائیان عشق‌آباد، که در آن سال‌های پربار خود را در رفاه، علو طبع و اکتسابات عقلانی و فرهنگی ممتاز ساخته بودند آن بود که می‌کوشیدند تا تضمین نمایند که در جامعه‌ای که بی‌سوادی به خصوص در بین دختران متداول و رایج بود همه کودکان و جوانان بهائی باسواد باشند. در چنین جوی از رفاه، پیشرفت و مجهودات متحد که در هر مرحله به ید عنایت حضرت عبداله‌پاء پرورش یافته بود، مشرق‌الاذکاری باشکوه — برجسته‌ترین بنا در آن ناحیه — تأسیس گشت. تقریباً بیست سال، احبای به خاطر تحقق هدف والای خود از سروری روحانی برخوردار بودند: استقرار یک مرکز نیایش، مرکز تشکیلاتی حیات جامعه، مکانی که نفوس در سپیده‌دم برای دعا و مناجات خاضعانه قبل از آنکه به کار روزانه خود مشغول شوند در آن گرد هم می‌آمدند.^{۵۶}

بیت العدل اعظم در پیامی متعاقب ذکر می‌نماید که به عبارت دیگر، مشرق‌الاذکار هم‌زمان “تجلی‌گاه قوای روحانی”، “کانون منضّمات و ملحقاتی ... به منظور رفاه نوع بشر” و “بروز و تحقق اراده جمعی برای خدمات همگانی” می‌باشد.^{۵۷} در ادامه همان پیام می‌فرماید “این ملحقات شامل مراکز آموزشی، علمی، فرهنگی و اقدامات عام المنفعه، مظهر آرمان‌های پیشرفت اجتماعی و تعالی معنوی با استفاده از علم و دانش بشری است و نشان می‌دهد که چون علم و دین با هم هماهنگ شوند راه‌گشای ارتقای مقام انسان و شکوفایی تمدن گردند.”^{۵۸}

۵. بنای مشرق‌الاذکار

اجرای حکم مشرق الاذکار بعد از اینکه از قلم حضرت بهاءالله نازل گردید، از طریق یک فرایند توسعه تدریجی و ارگانیک، متناسب با ظرفیت جامعه، محقق شده است. حضرت عبداله‌پاء می‌فرماید که این مشارک اذکار “بقلم اعلی تعیین و

مقرر گردیده است که باید در جمیع مدن و قرا تأسیس شود^{۵۹} و اشاره می‌فرمایند در ابتدا می‌تواند حتی به ساده‌ترین شکل باشد:

اما مشرق‌الاذکار بسیار مهم است مقصود این است که محلی ولو مختصر در زیر طبقات خاک و حجر باشد باید تعیین شود و حکمة مستور و مخفی باشد تا سبب عناد اهل فساد نگردد اقلأ هفته‌ئی یک روز محل اجتماع خواص احباً گردد که کاشف اسرارند و محرم راز و هر نوع که باشد ولو حفره‌ئی در زیر زمین باشد آن حفره جنة المأوی گردد و حدیقه علیا شود و روضه رضوان گردد.^{۶۰}

امکان تأسیس مشرق‌الاذکار در ابتدا در عشق‌آباد و ویلمت در دوران قیادت حضرت عبدالبهاء پدید آمد. پس از آن، مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای در هفت اقلیم دیگر در سراسر جهان تأسیس شد که در نهایت در اکتبر ۲۰۱۶ با افتتاح مشرق‌الاذکار در سانتیاگو، شیلی به اوج خود رسید. اما با نزدیک شدن مرحله پایانی تأسیس مشرق‌الاذکارهای قاره‌ای، در اثر شتاب روزافزون در فرایند جامعه‌سازی که بر پایه عبادت جمعی و افزایش قابلیت برای خدمت استوار است، افقی جدید به روی عالم بهائی در حال گشایش بود، شتابی که محرک‌ش سلسله نقشه‌های جهانی از سال ۱۹۹۶ بود. بیت العدل اعظم در پیام رضوان آن سال به بهائیان جهان تأکید فرمودند که ”شکوفایی جامعه به خصوص در سطح محلی نیاز به بهبود قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتار دارد“ الگویی که شامل ”نیایش جمعی پروردگار است“. از اینرو ”برگزاری جلسات مرتب دعا، در صورت امکان در حظيرة القدس‌های محلی و در غیر این صورت در اماکن دیگر از جمله در منازل احباً، برای حیات روحانی جامعه ضروری است.“^{۶۱} پنج سال بعد بیت العدل اعظم در پیام رضوان این انتظار را مطرح فرمودند که در طول عهد پنجم از عصر تکوین مشرق‌الاذکارهای ملی ساخته خواهد شد، پدیده‌ای که ”طی مراحل متوالی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء بسط خواهد یافت“^{۶۲} و بالاخص بیان فرمودند:

یکی از ویژگی‌های بارز عهد پنجم [از عصر تکوین] تقویت حیات نیایشی جامعه از طریق ارتفاع بنای مشارق اذکار ملی بر مبنای مقتضیات جوامع ملی خواهد بود. زمان اجرای این طرح‌ها از طرف بیت العدل اعظم در رابطه با پیشرفت فرایند دخول افواج در هر کشور تعیین خواهد شد.^{۶۳}

در سال ۲۰۱۲، در کشور جمهوری دموکراتیک کنگو (Democratic Republic of the Congo) و در پاپوا گینه نو (Papua New Guinea) معیارهای تعیین شده ”به نحوی آشکار تحقق یافت.“^{۶۴} این یک ترقی بسیار چشمگیر بود. بیت العدل اعظم در پیام رضوان همان سال فرمودند ”با پیشرفت ساختمان آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در سانتیاگو (Santiago)، شروع پروژه‌هایی برای تأسیس مشرق‌الاذکارهای ملی نشانه رضایت‌بخش دیگری از نفوذ و رسوخ امر الهی در تار و پود اجتماعات بشری است.“^{۶۵} همچنین در نامه‌ای متعاقب از طرف بیت العدل اعظم تأکید گردید که مشرق‌الاذکار ”جزء لاینفکی از فرایند جامعه‌سازی است و ساخت آن نمادی مهم از توسعه و پیشرفت یک جامعه می‌باشد.“^{۶۶}

آنچه موجب دل‌گرمی شد این بود که در رضوان ۲۰۱۲ امکان تأسیس مشرق‌الاذکار محلی در برخی محدوده‌های جغرافیایی را می‌شد به وضوح تصور نمود، محدوده‌هایی که جایگاه نشر یادگیری برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان بودند و در آنها ”تمامی طرح ترویج و تحکیم“^{۶۷} در حال تقویت شدن بود — علی‌الخصوص در آن زمان، در باتامبانگ، کامبوج (Battambang, Cambodia)؛ بیهار شریف، هند (Bihar Sharif, India)؛ ماتوندا سوی، کنیا (Matunda Soy, Kenya)؛

Kenya)؛ نورته دل کائوکا، کلمبیا (Norte del Cauca, Colombia)؛ و تانا، وانواتو (Tanna, Vanuatu). در توضیح این چشم‌انداز، بخش زیر از پیام رضوان ۲۰۱۴ ارتباط مستقیم بین تکامل برنامه رشد در یک محدوده جغرافیایی و تأسیس مشرق‌الاذکار محلی را بیان می‌دارد:

در تعداد فزاینده‌ای از محدوده‌های جغرافیایی وسعت و پیچیدگی برنامه رشد در تناسب با ازدیاد قابلیت سه شرکت‌کننده نقشه — افراد، جامعه، و مؤسسات — در حال افزایش است تا جوی از حمایت متقابل ایجاد نماید. بسیار خرسندیم که در تعداد روزافزونی از محدوده‌ها همان طور که انتظار می‌رفت اکنون فعالیت‌ها به مرحله‌ای رسیده است که صد نفر یا بیشتر، اشتغال فزون از هزار نفر را در پی‌گیری یک الگوی زندگی روحانی، پویا و تقلیب‌کننده تسهیل می‌نمایند. اساس این فرایند البته از آغاز مبتنی بر حرکتی جمعی به سوی بینشی از رفاه مادی و معنوی بوده که از جانب نفس مقدس محیی عالمیان افاضه گردیده اما وقتی که گروه‌های چنین عظیمی به مشارکت قیام می‌کنند آن گاه حرکت تمامی یک جمعیت به راحتی قابل تشخیص است.

این حرکت در حال حاضر به خصوص در محدوده‌هایی مشهود است که قرار است در آنها مشرق‌الاذکار محلی مرتفع گردد.^{۶۸}

در پیام رضوان ۲۰۱۲، بیت العدل اعظم بر عظمت این پیشرفت در حیات جامعه تأکید فرمودند و دیدگاه زیر را در خصوص بنای قریب‌الوقوع دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی ارائه نمودند:

هم‌کاران عزیز و محبوب: کلنگی که یک‌صد سال پیش به ید مبارک حضرت عبدالبهاء بر زمین زده شد حال باید در هفت کشور دیگر بر زمین زده شود. این اقدام نویددهنده روزی است که به پیروی از دستور حضرت بهاء‌الله، در هر شهر و دهکده بنایی برای نیایش و عبادت پروردگار ساخته خواهد شد، از این مطالع ذکر الهی پرتو انوارش ساطع و طنین حمد و ثنایش مرتفع خواهد گشت.^{۶۹}

بیت العدل اعظم در پیام ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ خود خطاب به کسانی که برای افتتاح مشرق‌الاذکار در باتامبانگ، کامبوج گرد هم آمده بودند، به همین دیدگاه اشاره فرموده اعلام نمودند که ”صبح جدیدی در توسعه مؤسسه مشرق‌الاذکار دمیده است“ و تأیید کردند که این لحظه تاریخی نویدبخش فرایند مهمی است، یعنی فرایند ”تأسیس مشرق‌الاذکارهای بی‌شمار محلی و ملی در تبعیت از حکم حضرت بهاء‌الله نازل در کتاب مستطاب اقدس که می‌فرمایند ’عمروا بیوتاً بأكمل ما يمكن فی الامکان باسم مالک الأديان فی البلدان‘.^{۷۰}“

آغاز این مرحله جدید در تأسیس معابد ملی و محلی همچنین امکان یادگیری بیشتری در باره جنبه‌های مختلف ساختن مشرق‌الاذکار را فراهم آورد، از جمله ملاحظات عملی مانند انتخاب مکان مناسب و تصمیم‌گیری در باره وسعت بنا، و همچنین چگونگی تقویت حس مالکیت پروژه در میان جمعیت محلی. انتخاب معماران مستلزم توجه و دقت خاص بود زیرا به فرموده بیت العدل اعظم، آنان

با چالش خطیر طرح مشرق‌الاذکار "باکمل ما یمکن فی الامکان" رو به رو هستند، طرحی که به طور طبیعی با فرهنگ محلی و حیات روزانه کسانی که برای دعا و مناجات در آن گرد هم خواهند آمد هماهنگی داشته باشد. این وظیفه مستلزم خلافت و مهارتی است که زیبایی، ظرافت، و شکوه را با اعتدال، کارایی و اقتصاد تلفیق دهد.^{۷۱}

در طی این فرایند تکاملی، جامعه توانسته است تا به اهمیت روح وحدت و اتحاد که بر اساس آن چنین تلاش‌هایی به مرحله عمل در می‌آید بیش از پیش پی برد. در این خصوص، حضرت عبدالبهاء در رابطه با اجرای طرح تأسیس مشرق‌الاذکار در عشق‌آباد می‌فرماید:

جميع امور را باید واسطه اتحاد و اتفاق کنید تا الفت و وحدت یاران روز بروز بیفزاید حال همین مسئله مشرق‌الاذکار را باید نوعی معجزی دارید که بر الفت و اتحاد و یگانگی احبباً بیفزاید و آن اینست که بالاتفاق مذاکره نمایند بعد نقشه‌ئی ترتیب دهید و چون چنین اقدام کنید تأییدات الهی پیاپی رسد.^{۷۲}

و نیز چنین توصیه می‌فرماید:

اساس حیات و وجود تعاون و تعاضد است و سبب انعدام و اضمحلال انقطاع این امداد و استمداد و هرچه رتبه بالاتر آید این امر عظیم یعنی تعاون و تعاضد شدیدتر گردد لهذا در عالم انسانی تعاون و تعاضد اتم و اکملتر از سایر عوالم است بقسمی که بکلی زندگانی انسانی مربوط باین امر عظیم است علی‌الخصوص بین احببای الهی باید این اساس قویوم در نهایت متانت باشد بقسمی که هر یک در جمیع مراتب مدد بدیگری رسانند چه در مراتب حقایق و معانی و چه در مراتب جسمانی علی‌الخصوص در تأسیسات عمومی که نتایجش راجع بکل افراد است و بالأخص در مشرق‌الاذکار که اعظم اساس الهیست.^{۷۳}

در تشریح مفهوم هم‌کاری، حضرت شوقی افندی در نامه‌ای که از جانب آن حضرت نوشته شده، تأکید می‌فرماید که بنا نهادن اساس مشرق‌الاذکار "یلزم التعاون و التعاضد المستمرّ و مشروط بوجوب التّضحية".^{۷۴} در نامه دیگری که از جانب آن حضرت نوشته شده، انذار می‌نماید که "عشق، خلوص و اشتیاق حقیقی است که مآلاً می‌تواند تکمیل بنای مشرق‌الاذکار را تضمین نماید". و همچنین می‌فرماید "ملاحظات مادی هرچند ضروری است ولی به هیچ وجه مهم‌ترین عامل نیست".^{۷۵} مشابهاً، بیت العدل اعظم با ابراز احساسات عمیق در قبال پاسخ عموم عالم به فراخوان آن معهد برای بنای هفت مشرق‌الاذکار جدید، مشاهدات خود را چنین بیان می‌فرماید:

به خصوص در ممالک و مناطقی که اخیراً برای بنای مشرق‌الاذکار تعیین گردیده شاهد سرور خودجوش و تعهد قلبی و فوری احبباً نسبت به ایفای سهم خود در انجام کارهای ضروری و افزایش پویایی فعالیت‌هایی بوده‌ایم که مستلزم تأسیس مشرق‌الاذکار در بین یک جمعیت است؛ لازمه فداکاری و جان‌فشانی در صرف وقت، نیرو، منابع مادی به صور گوناگون می‌باشد؛ و شایسته کوشش‌های مستمرّ برای آگاه ساختن گروه‌های فزاینده‌ای از مردم به جهت درک و کسب بینش نسبت به بناهای رفیع الشّانی است که برای ذکر الهی در میان آنها ساخته خواهد شد. پاسخ مشتاقانه جامعه اسم اعظم نمایان‌گر پذیرش مسئولیت‌هایی است که در پیشبرد این پروژه‌ها بر عهده آن جامعه گذاشته شده است.^{۷۶}

با توجه به این هدایات و برای درک اهمیّت روح خدمت واقعی که برای تأسیس این مؤسسه عظیم ضروری است، شایسته است که اشتیاق حضرت عبدالبهاء برای مشارکت در ساخت مشرق‌الاذکار در عشق‌آباد و درخواست صمیمانه هیکل اطهر را که احبّا این وظیفه را بالتّیابه از آن حضرت انجام دهند، مورد تأمل قرار دهیم.

بالتّیابه از عبدالبهاء در بنای مشرق‌الاذکار خاک بکش و گِل بردار و سنگ بیر تا انجذاب آن خدمت سبب روح و ریحان مرکز عبودیت گردد. آن مشرق‌الاذکار اوّل تأسیس پروردگار واضح و آشکار است لهذا این عبد امیدوار است که اختیار و ابرار هر یک جان‌فشانی نمایند و فرح و شادمانی کنند و خاک‌کشی را کامرانی شمرند تا این بنیان رحمن بلند گردد و آیین یزدانی منتشر شود و در جمیع اطراف و اکناف نیز به کمال همّت بر این امر عظیم قیام نمایند. اگر عبدالبهاء مسجون نبود و موانع در میان نه البتّه بنفسه به عشق‌آباد می‌شتافت و در بنای مشرق‌الاذکار حمل تراب می‌کرد و بی‌نهایت مسرور و شادمان می‌شد. حال یاران باید به این نیّت قیام نمایند و نعم البدل گردند تا به مدّتی قلیله این بنیان نمایان گردد و احبّا به ذکر جمال ابهی مشغول شوند و آهنگ مشرق‌الاذکار در سحرگاه به ملأ اعلیٰ رسد و گلبانگ بلبلان الهی اهل ملکوت ابهی را به وجد و طرب آرد دل‌ها خوش شود و جان‌ها بشارت یابد و قلب‌ها روشن گردد. اینست آمال مخلصین و اینست منتها آرزوی مقرّبین.^{۷۷}

مؤسسه مشرق‌الاذکار

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء توقیعات حضرت ولی‌امرالله و دستخط‌های بیت العدل اعظم

تهیه شده توسط دایره مطالعة نصوص و الواح

سپتامبر ۲۰۱۷

ترجمه دستخط‌های صادره به زبان انگلیسی توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی انجام شده است

از آثار حضرت بهاء‌الله

یا ملأ الانشاء عمّروا بیوتاً بأكمل ما یمکن فی الامکان باسم مالک الأدیان فی البلدان و زینوها بما ینبغی لها لا بالصّور و الأمثال ثم اذكروا فیها ربکم الرّحمن بالروح و الرّیحان الا بذكره تستنیر الصّدور و تقرّ الأبصار.

[۱]

(کتاب اقدس، بند ۳۱)

طوبی لمن توجه الى مشرق الأذکار فی الأسحار ذاکراً متذکراً مستغفراً و اذا دخل یقعد صامتاً لاصغاء آیات الله الملك العزیز الحمید قل مشرق الأذکار انه کلّ بیت بنی لذكری فی المدن و القرى کذلک سمی لدى العرش ان انتم من العارفين.

[۲]

(کتاب اقدس، بند ۱۱۵)

عَلِّمُوا ذُرِّيَّاتَكُمْ مَا نَزَلَ مِنْ سَمَاءِ الْعِظَمَةِ وَالْاِقْتِدَارِ لِيَقْرَؤُوا الْوَاحِ الرَّحْمَنُ بِأَحْسَنِ الْأَلْحَانِ فِي الْغُرَفِ الْمَبْنِيَّةِ فِي مَشَارِقِ الْأَذْكَارِ إِنَّ الَّذِي اخَذَهُ جَذْبٌ مُحِبَّةٌ اسْمِي الرَّحْمَنِ أَنَّهُ يَقْرَأُ آيَاتِ اللَّهِ عَلَى شَأْنٍ تَنْجَذِبُ بِهِ افْتِدَةُ الرَّاقِدِينَ هَنِيئاً لِمَنْ شَرِبَ رَحِيقَ الْحَيَوَانِ مِنْ بَيَانِ رَبِّهِ الرَّحْمَنِ بِهَذَا الْأَسْمِ الَّذِي بِهِ نَسَفَ كُلَّ جَبَلٍ بِأَذْخٍ رَفِيعٍ.

[۳]

(کتاب اقدس، بند ۱۵۰)

و اینکه مرقوم داشته بودید که مشرق‌الاذکار در ارض طاء^۱ معین شده و همچنین در بلاد اخری بعنایت حق جاری شده و میشود اینمراتب در ساحت امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان القدم فی الجواب طوبی لمحلّ و لبيت و لمقام و لمدينة و لقلب و لجبل و لكهف و لغار و لأودية و لبرّ و لبحر و لجزيرة و لدسكرة ارتفع فيها ذکر الله و ثنائه.

[۴]

(از الواح حضرت بهاءالله)

هذا ما نطق به لسان المختار فی مشرق‌الاذکار قوله جلّت عظمته و جلّ اقتداره.

حمد کن مقصود عالم را که ترا مؤید فرمود بر خدمت امرش و مع ضوضای اهل عالم و فتنه و فساد و قیام کل بر اطفاء نور ذکر الهی از شما و اولیا ظاهر و هویدا گشت.

این بنا را ذکر جاودانی همراه چه که باسم حق در ایام حق بنا شده و بطراز امضا مزین گشته از حق بطلبید کل را مؤید فرماید بر خدمت امر و استقامت و ما انزله الله فی الكتاب.

دنیا فانی زود است کل بعدم راجع و یقی ما قدر من القلم الأعلى من لدى الله المهيمن القيوم.

[۵]

(از الواح حضرت بهاءالله)

طوبی از برای نفوسیکه در مشرق‌الاذکار بذکر مولی‌الْاُخْيار مشغولند طوبی از برای نفوسیکه بر خدمت آن بیت قائمند و طوبی از برای نفوسیکه سبب عمار آن بیت شده‌اند یدخلون بسلام و اشتیاق و یخرجون بأسف نسأل الله تعالى ربنا و ربکم بأن یمدکم بأسباب الغیب و الشّهادة و یقدّر لکم ما یكون باقیاً ببقاء اسمه المهيمن على الأسماء لا اله الا هو الغفور الرحیم.

[۶]

(از الواح حضرت بهاءالله)

لعمری و امری هر یتی که در آن اولیای الهی وارد میشوند و ندای ایشان در ذکر و ثنای الهی مرتفع ملائکة مقرّین و ارواح مخلصین کل طائف آن بیت و اگر باب بصر حقیقی از برای بعضی باز شود مشاهده مینمایند که ملأ اعلی طائف و باینکلمه ناطق طوبی لک یا بیت بما جعلک الله مهبط اولیائه و مقرّ اصفیائه و مقام امنائه علیک بهائه و ثنائه و عطائه.

[۷]

(از الواح حضرت بهاءالله)

از آثار حضرت عبدالبهاء

دوستان را محفلی باید و مجمعی شاید که در آن مجامع و محافل بذکر و فکر حق و تلاوت و ترتیل آیات و آثار جمال مبارک روحی لأحبّائه الفداء مشغول و مألوف گردند و انوار ملکوت ابهی و پرتو افق اعلی بر آن مجامع نوراً بتابد و این محافل

مشارق اذکار است که بقلم اعلیٰ تعیین و مقرر گردیده است که باید در جمیع مدن و قرا تأسیس شود ... و این مجامع روحانی در نهایت تنزیه و تقدیس ترتیب یابد تا از محل و ارض و هوایش نفحات قدس استشمام گردد.

[۸] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۵۵)

ای دوستان حقیقی عبدالبهاء این دم بیاد شما افتادم یعنی قریب غروبست و از کثرت مشقت راحت مسلوب ولی من بیاد شما در نهایت نشسته و سرورم و از ربّ غفور تأیید موفور میطلبم مشرق‌الاذکار مطلع الأنوار است و مجمع ابرار نفوس نفیسه چون در آن مجامع ملکوتیه اجتماع نمایند و نماز آغاز کنند و بدایع الحان ترتیل آیات گردد و ترنیم مناجات اهل ملأ اعلیٰ استماع نمایند و فریاد یاطوبی و یابشری برآرند که الحمد لله در ملأ

ادنی نفوسی از ملائکه ملکوت ابهی بمناجات و دعا قیام نمودند و در محفل تقدیس ترتیل آیات توحید مینمایند آیا چه فضلی است اعظم از این.

[۹] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

یا احبّاء عبدالبهاء و سهامائه و شرکائه فی عبودیّ ربّ الجنود انّ اعظم الأمور و اهمّ مشروع الیوم تأسیس مشرق‌الاذکار و بنیان معبد یرتفع منه صوت التّهلیل الی ملکوت ربّ الجلیل طوبی لکم بما افکرتکم فی هذا و نویتم تأسیس هذا البناء و سبقتم الكلّ فی بذل الأموال لهذا المقصد العظیم و المشروع الکریم سترون ملائکه التّأیید تتابع علیکم و جنود التّوفیق تتهاجم امامکم.

و عندما یتّم مشرق‌الاذکار و تتوقّد فیہ الأنوار و يحضر فیہ الأبرار و تقوم الصّلوة تضرباً الی ملکوت الأسرار و یرتفع صوت التّمجید للربّ المعجید هنالك یفرح المؤمنون و ینشرح صدور امتلاً بمحبّة الحیّ القيّوم.

و یرهعون النّاس الی التّبّتل فی ذلک البیت المعمور و ینتشر نفحات الله و تعلو کلمة الله و تتمکّن تعالیم الله من القلوب تمکّن الرّوح فی النفوس و یرتقیم النّاس علی امر ربّکم الرّحمن.

[۱۰] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

و ما من نفس تقوم علی خدمة هذا البناء الا و يؤیّده الله بقوة من ملکوته العظیم و یفیض علیه بركة روحانیة سماویة یمتلئ بها قلبه بالتّور البدیع و تقرّ به عینه بمشاهدة المجد القدیم.

[۱۱] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای ثابت بر پیمان مکتوب شما رسید و مقصود واضح و پدید شد از همّت و جدّ و جهد احبّای الهی مرقوم نموده بودید که در بنیان مشرق‌الاذکار بی‌اختیارند و بنفس نفیس سنگ‌کشی میفرمایند فی‌الحقیقه این خبر بدرجه‌ئی سبب سرور قلوب گردید که خارج از توصیف و تقریر است زیرا تصوّر حال آن جمع بزرگوار گردید که در کمال خضوع و خشوع حمل احجار نموده و بر ملوک عالم افتخار مینمایند.

[۱۲] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

از معابد سؤال نموده بودید که حکمتش چیست حکمتش این است که در وقت معلوم نفوس وقت اجتماع را بدانند و کل مجتمع گردند و جمیع بالاتحاد بمناجات پردازند تا از این اجتماع الفت و اتحاد در قلوب ازدیاد یابد.

[۱۳] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۵۸)

از قرار مسموع شما را نیت چنان که خانه خویش را گاهی با اجتماع بهائیان مزین نمائید تا بعضی بتمجید ربّ مجید پردازند ... این قدر بدان که اگر چنین بنمائی آن خانه ترابی آسمانی گردد و آن هیکل سنگی محفل رحمانی شود.

[۱۴] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۵۷)

انشاءالله بعد هیاکلی در نهایت متانت و صفا و ظریف و لطیف و خوش وضع و منظر در جمیع بلاد ... تأسیس خواهد شد.

[۱۵] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

مشرق الأذکار هرچند بظاهر بنیان جسمانیست ولی تأثیر روحانی دارد و سبب الفت قلوب و اجتماع نفوس گردد در ایام ظهور هر مدینه‌ئی که در آن معبدی تأسیس شد سبب ترویج و تثبیت قلوب بود و سبب اطمینان نفوس زیرا در آن اماکن ذکر حقّ مستمرّ و دائم بود و از برای قلب سکون و قرار جز بذكر ربّ مختار نه سبحان الله بنای مشرق الأذکار تأثیری عظیم در جمیع مراتب دارد در شرق تجربه شد و چنین ظاهر و آشکار گشت حتی اگر در قریه‌ئی خانه‌ئی مسمّی به مشرق الأذکار گشت تأثیری دیگر داشت تا چه رسد به بنا و تأسیس آن.

[۱۶] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۶۰)

جناب کربلائی محمد هادی خادم مشرق الأذکار مخدوم منست یعنی من خادم او هستم زیرا خادم جمال مبارکست و در مشرق الأذکار جاروب کش است این خدمت نیست سلطنت است و این امر عادی نیست صرف موهبت است.

[۱۷] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

مشرق الأذکار از اعظم تأسیسات عالم انسانیت و تفرّعاتش بسیار است مشرق الأذکار اگرچه محلّ عبادتست ولیکن مربوط باسپیتال و اجزاخانه و مسافرخانه و مکتب اطفال ایام و مدرسه تدریس علوم عالیّه است هر مشرق الأذکار مربوط باین پنج چیز است امیدوارم که در امریک حال مشرق الأذکار تأسیس شود و بتدریج اسپیتال و مکتب و مدرسه و اجزاخانه و مسافرخانه نیز در نهایت انتظام ترتیب یابد بیاران الهی این تفصیل را بفهمانید تا بدانند که مشرق الأذکار چه قدر مهمّ است مجرد عبارت از محلّ عبادت نیست بلکه از هر جهت مکملّ است.

[۱۸] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۶۴)

هر جمعی که در محلّی اجتماع کنند و بذكر حقّ مشغول گردند و از اسرار الهی دم زنند یقیناً از نفثات روح القدس نصیب گیرند.

[۱۹] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۵۶)

نامه شما با دو نقشه مشرق الأذکار رسید هر دو نقشه ملاحظه گردید سبب سرور قلوب شد یاران و اماء رحمان جمیع بذكر خیر تو مشغول شدند ولی رسم و هندسه مشرق الأذکار را با اعضای محفل روحانی مذاکره نمائید تا بالاتفاق قراری دهید جمیع امور را باید واسطه اتحاد و اتفاق کنید تا الفت و وحدت یاران روز بروز بیفزاید حال همین مسئله مشرق الأذکار را باید نوعی مجرا دارید که بر الفت و اتحاد و یگانگی احبّا بیفزاید و آن اینست که بالاتفاق مذاکره نمایند بعد نقشه‌ئی ترتیب دهید و چون چنین اقدام کنید تأییدات الهی پیاپی رسد در عشق آباد احبّای الهی بنای مشرق الأذکار را اسباب الفت تامّه نمودند و

بنهایت محبت و خلوص انتخاب جمعیتی فرمودند و آن جمعیت بتأسیس و ترتیب و تنظیم و هندسه مشرق‌الاذکار پرداخت روز بروز تأیید رسید الحمد لله در کمال متانت و عظمت بنا و انشاء شد.

[۲۰]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

فی الحقیقه قلوب صافیة نورانیة مشارق اذکار است و آهنگ تبتل و تضرع متواصل بملاّ اعلی از خدا خواهم که قلب هر یک از شما صومعه‌ئی از صوامع الهیه گردد و سراج هدایت کبری در آن روشن شود و چون قلوب چنین موهبتی یابد البتّه در بنای مشرق‌الاذکار نهایت همّت و غیرت خواهند نمود تا ظاهر عنوان باطن گردد و صورت خبر از معنی دهد.

[۲۱]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای یاران شرق و غرب از اعظم اساس دین الله و معانی کلمه الله و تکلیف احبّاء الله تعاون و تعاضد است زیرا عالم انسانی بلکه سائر کائنات نامتناهی بتعاون و تعاضد قائم و اگر تعاون و تعاضد متبادله در بین کائنات نماند وجود بکلی متلاشی گردد ...

اساس حیات و وجود تعاون و تعاضد است و سبب انعدام و اضمحلال انقطاع این امداد و استمداد و هر چه رتبه بالاتر آید این امر عظیم یعنی تعاون و تعاضد شدیدتر گردد لهذا در عالم انسانی تعاون و تعاضد اتمّ و اکملتر از سائر عوالم است بقسمی که بکلی زندگانی انسانی مربوط باین امر عظیم است علی‌الخصوص بین احبّای الهی باید این اساس قویم در نهایت متانت باشد بقسمی که هر یک در جمیع مراتب مدد بدیگری رساند چه در مراتب حقایق و معانی و چه در مراتب جسمانی علی‌الخصوص در تأسیسات عمومی که نتایجش راجع بکلّ افراد است و بالأخصّ در مشرق‌الاذکار که اعظم اساس الهیست.

[۲۲]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

مرقوم فرموده بودید که احبّای را نیت چنان که اعانه مشرق‌الاذکار نمایند این خبر سرورپرور بود زیرا فیوضات ملکوتیه و تأییدات ربّانیّه و توفیقات صمدیه متوجّه ارتباط و اتحاد و اتفاق عالم انسانیست لهذا این عمل مبرور اعانه شرق بغرب محمود و مشکور و از خصائص یوم این ظهور است تا بحال قطعاً وقوع نیافته که شرق اعانه غرب نماید یعنی ایران امداد بنیان مشرق‌الاذکار در امریکا کند این اوّل وقوعاتست که چنین واقع گردیده لهذا یقین است که نتایج محموده خواهد بخشید آثار ممدوحه ظاهر خواهد شد شکر جمال قدم و اسم اعظم را که چنین پیوند و التیام بعالم انسانی بخشید و چنین اساس متین بنهاد و چنین مقصد جلیل ترویج کرد و چنین خیمه‌ئی در قطب امکان برافراخت که نتایجش شعوب مختلفه عالم متفق و همدم گردند و اقلیم شاسعه اقلیم واحد شود و اوطان متعدّده وطن واحد گردد و حکومت‌های مختلفه ارتباط و اتفاق تام حاصل نمایند بنیاد بیداد برافند و بنیان جنگ و جدال و تاراج و تالان و بغض و عدوان ویران شود این تعاون شرق و غرب و تعاضد خاور و باختر برهان کافی وافی بر حصول این مقصد مبارک است.

[۲۳]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای ثابت بر پیمان بشارت قرب اتمام مشرق‌الاذکار و انتظام باغچه‌ها و عنقریب فوران فواره‌ها سبب سرور بی‌منتها شد فی الحقیقه بسیار مشرق‌الاذکار با روح و ریحان و باصفا خواهد شد متانت و لطافت بنا و حسن انتظام خیابانها و طراحي گلها و

غلیان فواره‌ها و شکوفه درختها و لطافت هوا و حلاوت منظر جمع گردد جنتی در نهایت صفا تشکیل گردد فی‌الحقیقه بی‌مثیل و نظیر شود.

[۲۴]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

اما مشرق‌الاذکار در عالم ناسوت بنیان الهی است و سبب حصول وحدت عالم انسانی زیرا جمیع ملل در مشرق‌الاذکار متحد و متفق شوند و بآهنگ توحید به تسبیح و تهلیل ربّ جنود پردازند و البته باید سرور تو در نشر نور هدایت باشد.

[۲۵]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

اول مشرق‌الاذکار در آمریک در شیکاگو تأسیس یافت و این شرف و منقبتی است که بی‌پایان است البته از این مشرق‌الاذکار هزاران مشرق‌الاذکار تولّد خواهد یافت.

[۲۶]

(الواح نقشه ملکوتی)

نامه شما بتاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۸ رسید و از مضامین معلوم گردید که الحمد لله بخدمت مشرق‌الاذکار مشغولید تا این بنیان عمومی تأسیس یابد فی‌الحقیقه در این خصوص بسیار همت نموده‌اید امیدوارم که این همت روز بروز ازدیاد یابد اعمال مثل اشجار میماند درختی را نشاندن آسانست ولی پرورش دادن و بثمر رساندن زحمت دارد تا حال تأسیس مشرق‌الاذکار بود ولی اتمامش زحمت دارد امیدوارم که احبای الهی موفق بر اتمام مشرق‌الاذکار گردند.

[۲۷]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای ثابتان بر عهد و پیمان دفتری که بجهت تأسیس مشرق‌الاذکار و توابع آن مریضخانه و مدارس و مسافرخانه و محلّ عجزه و فقرا ارسال نمودید و همچنین اسماء اعانه‌دهندگان قرائت گردید حمد خدا را که نفوس مبارکه را موفق بآن نمود که بچنین امر عظیمی قیام نمایند و چنین بنیانی تأسیس کنند که الی‌الابد باقی و برقرار و کنگره‌اش متواصل بعنان آسمانست هرچند این مشرق‌الاذکار در نقطه خاک تأسیس میگردد ولی بحقیقت از تأسیسات ملاً اعلی است لهذا گفته میشود که بعنان آسمان متواصل شکر کنید خدا را که بچنین خدمت عظیمی قیام نموده‌اید زیرا تأسیس مشارق‌الاذکار درین عصر و قرن نهایت اهمّیت دارد و سبب ثبات و استقامت احبّا و محلّ تضرّع و ابتهاج بساحت کبریا و اعظم واسطه نشر نفعات الله هست درین ایّام وضع خشتی از مشرق‌الاذکار یا توابع آن نظیر بنیانی عظیم است لهذا من از آن احبای الهی بسیار خوشنود و خورسندم که موفق بچنین امر عظیمی شدند و امیدم چنین است که این بنیان در نهایت لطافت و متانت تأسیس یابد و توابعش بتدریج تکمیل گردد.

[۲۸]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

... ملاحظه کن که روح مجرد و نفس مؤید حضرت حاجی میرزا محمد تقی افغان چگونه بخدمت این امر عظیم پرداخت راحت و آسایش خویش را در یزد بگذاشت و خدمه لأمّ الله به عشق‌آباد شتافت در بنای مشرق‌الاذکار چه قدر جانفشانی کرد حیات و زندگانی خویش را بکلی فدا نمود تا موفق بآن شد که اول مشرق‌الاذکار در آن دیار تأسیس فرمود این خدمت بسیار عظیم بود زیرا مشرق‌الاذکار اولست که باسم حقّ در جهان تأسیس گردیده لهذا اهمّیت عظیمه دارد ولی من بعد صد هزار مشرق‌الاذکار تأسیس خواهد شد در نهایت شکوه و ابّهت و عظمت این مشرق‌الاذکار عشق‌آباد بمنزله مادر است که مشرق‌الاذکار سائره مانند اولاد معنویّه از او تولّد خواهند یافت.

ای یاران رحمانی خبر تأسیس مشرق‌الاذکار رسید که در آن دیار محامد و نعوت الهی بملکوت ابهی متواصل و آهنگ ستایش و نیایش آن دلبر نورانی بملأ اعلی متواصل چه مژده خوشی بود که سبب نهایت سرور و روح و ریحان گردید زیرا مشرق‌الاذکار سبب تنبّه و تذکّر و تذلل و تبّتل یاران الهیست قلوب نورانی گردد و نفوس روحانی شود و نفحات ملکوت ابهی بمشام آید عالم انسانی عالم دیگر گردد و احساسات قلبی چنان قوّت گیرد که جمیع وجود را احاطه نماید امیدوارم که در جمیع اطراف و اکناف مشرق‌الاذکار ولو در نهایت ستر و خفا باشد تأسیس گردد و بجهت حکمت مختصّ بخواصّ یاران و محرمان اسرار باشد تا وقتی که شیوع و شهرتش سبب جزع و فزع غافلان نگردد.

ای یاران الهی ملاحظه نمائید که در آن مجمع روحانی چون جمع گردید و در اسحار^۱ باذکار مشغول شوید و بعد از ادای صلوة جمعاً بآهنگ لطیف بذکر ربّ کریم مشغول گردید چه قدر لطافت و رقت و روحانیت و نورانیت حاصل گردد آن آهنگ بملکوت ابهی رسد و آن بانگ ملأ اعلی را بسرور و نشاط آرد.

مشرق‌الاذکار مغناطیس تأیید پروردگار است مشرق‌الاذکار اساس عظیم حضرت آمرزگار مشرق‌الاذکار رکن رکن آئین کردگار مشرق‌الاذکار تأسیس سبب اعلاء کلمة الله مشرق‌الاذکار تهلیل و تسبیحش مفرّح قلوب هر نیکوکار مشرق‌الاذکار نفحات قدسش روحبخش کلّ ابرار مشرق‌الاذکار نسیم جانپورورش حیاتبخش عموم احرار مشرق‌الاذکار مصایحش مانند نور صباح روشنی آفاقست مشرق‌الاذکار آهنگش مفرّح ارواح ملأ اعلاست مشرق‌الاذکار ترتیل آیات توحیدش سبب سرور و حبور اهل ملکوت ابهاست.

الیوم اعظم امور و اتمّ خدمات در آستان مقدّس الهی تأسیس مشرق‌الاذکار است ... مقصود اینست که احبّای الهی در کمال حکمت در آن محل بنماز و عبادت حضرت پروردگار و ترتیل آیات و کلمات الهیه و ترنیم قصائد و نعوت رحمانیه مشغول گردند.

ای عبد بهاء موسیقی از علوم ممدوحه در درگاه کبریاست تا در جوامع کبری و صوامع عظمی بابدع نغمات ترتیل آیات نمائی و چنان آهنگی از مشرق اذکار بلند کنی که ملأ اعلی باهتزاز آید ملاحظه کن که نظر باین جهت فنّ موسیقی چه قدر ممدوح و مقبول است اگر توانی الحان و انغام و ایقاع و مقامات روحانی را بکار بر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن آن وقت ملاحظه فرمائی که چه قدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی بخشد نغمه و آهنگی بلند کن که بلبان اسرار را سرمست و بیقرار نمائی.

و انّی شکرت الله بقلب سلیم بما اّید الاحبّاء مع الفقر و الفناء علی اعانة مشرق الاذکار الّذی سیرتفع دعائمها فی قطب امریکا.

ای یار حقیقی عبدالبهاء منتهای آمال و آرزوی شما انشاء و بناء مشرق‌الاذکار بود الحمد لله حال وقتش آمد الأمور مرهونة بأوقاتها بناءً علیه باید نهایت همت را در این بنیان عظیم نمود که در غایت متانت و رزانت و ظرافت و لطافت ساخته گردد این مسئله خدمت عظیمیست بآستان مقدس که تا ابدالآباد در ملکوت تقدیس آوازه‌اش فرحبخش قلوب اهل ملاً اعلی گردد.

[۳۴] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

اما مشرق‌الاذکار بسیار مهم است مقصود این است که محلی ولو مختصر در زیر طبقات خاک و حجر باشد باید تعیین شود و حکمة مستور و مخفی باشد تا سبب عناد اهل فساد نگردد اقلّاً هفته‌ئی یک روز محلّ اجتماع خواصّ احبّا گردد که کاشف اسرارند و محرم راز و هر نوع که باشد ولو حفره‌ئی در زیر زمین باشد آن حفره جنة المأوی گردد و حدیقه علیا شود و روضه رضوان گردد محلّ انشراح ارواح شود و مرکز انجذاب قلوب بملکوت ابهی.

[۳۵] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

اما هندسه آن محلّ باید بترتیب مشرق‌الاذکار عشق‌آباد شود یعنی باید نه رکن داشته باشد و بنا در نهایت روحانیت و لطافت و ارتفاع و صفا و با نظارت باشد بقسمی که بسیار موقع دلگشا باشد بقدر امکان باید در لطافت موقع و محلّ و نظارت و صفایش همت نمود.

[۳۶] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

از توقیعات حضرت ولی‌امرالله

و بمرور ایام بنیان رفیع مشرق‌الاذکار در حوالی و اکنافش مرتفع گردد و بر رونق و روحانیت و ابّهت و صفا و جلال معاهد امریه بیفزاید و روح زنده آزاد آئین ربّ العالمین را بر روی زمین بظاهر ظاهر مثالی برازنده و تمثالی پابنده میسر و مقرر گردد.

[۳۷] (توقیع مورخ اوت ۱۹۲۷ خطاب به تعدادی از محافل روحانی ملی)

باید به خاطر داشت که بر طبق اصول معدود ولی محکمه و مقررّه حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس، بنای مرکزی مشرق‌الاذکار علاوه بر مؤسّسات خدمات اجتماعی مانند آنهایی که برای تسکین مصیبت‌زدگان، اعانت به فقرا، پناه مسافران، تسلی محرومان و تعلیم عوام، در میقات مقررّ در حول آن تأسیس خواهد شد، باید به عنوان مقرّی ملاحظه شود که جدا از این ملحقات منحصرّاً جهت عبادت پروردگار طراحى و کاملاً به این امر اختصاص یافته است. اما از این بیان کلی نباید چنین استنباط نمود که محوطه داخلی بنیان مرکزی به مجموعه‌ای از مراسم مذهبی و نیایشی با آداب و رسوم سنتی معمول در کلیساهای، مساجد، کنیسه‌ها و سایر عبادت‌گاه‌ها تبدیل خواهد شد. خیابان‌های مختلفی که همگی به سالن مرکزی مشرق‌الاذکار در زیر گنبد ختم می‌شوند برای استفاده پیروان مذاهب مختلفی نیست که به قواعد و عقایدی انعطاف‌ناپذیر و بشرساخته پای‌بند هستند و هر یک اصرار دارند گوشه‌ای مجزّا از مشرق‌الاذکار حضرت بهاءالله را که تعلق به عموم دارد به خود اختصاص دهند تا مراسم مذهبی خویش را به طریق خود در آن محل بجا آورند، دعا‌های خود را بخوانند، وضوی خود را بگیرند، و علایم مخصوصه آیین خویش را به نمایش گذارند. بالعکس مشرق‌الاذکار به کلی از ارائه چنین منظره‌ای از مراسم و مناسک فرقه‌ای نامنسجم و مغشوش میرا است، منظره‌ای که با تمهیدات کتاب اقدس کاملاً متباین و با روح نبّاض آن سفر مقدّس بالکل متغایر می‌باشد. غرفه مرکزی عبادت بهائی که در قلب مشرق‌الاذکار واقع است در محیط مقدّس و جو آرام و

روحانی خود، فقط نفوسی را گرد هم خواهد آورد که تجملات و تشریفات مفصل را برای همیشه کنار گذارده‌اند و خالصانه خداوند یکتایی را ستایش می‌کنند که حضرت بهاء‌الله مظهر ظهور او در این عصر می‌باشد. مشرق‌الاذکار برای این نفوس نمادی از آن حقیقت اصلیه‌ای خواهد بود که اساس آیین بهائی است، یعنی حقایق دینی مطلق نیستند بلکه نسبی‌اند و ظهور الهی نیز نهایی نیست بلکه متتابع و مستمر است. آنان یقین خواهند داشت که پدر آسمانی رؤف و ناظری که در گذشته و در مراحل مختلف تکامل نوع انسان پیامبران خود را به عنوان حاملین پیام و مظاهر انوار خود بر بشر ظاهر فرموده، ممکن نیست فرزندان خود را در این دوران حساس از مدنیت، از هدایتی که در میان این ظلمت حائله شدیداً به آن نیاز دارند محروم فرماید، ظلمتی که نه نور علم و نه عقل و هوش بشری قادر به زایل کردن آن است. لذا با شناخت حضرت بهاء‌الله به عنوان مطلع اشراق این نور الهی، با انجذابی وافر به آستانش پناه خواهند آورد و فارغ از تشریفات و آزاد از قید مرام، در آن آستان جمع خواهند شد تا خدای واحد را که جوهر و شمس حقیقت ابدی است نیایش کنند و به تمجید نام انبیا و پیامبرانش پردازند که از اوّل لا اِلهَ اِلاّ یومنا هذا، در اوضاع متنوّع و با موازین مختلف نور هدایت الهی را در دنیایی ظلمانی و متمرّد منعکس ساخته‌اند.

اما هر قدر مفهوم عبادت بهائی، چنانکه در بنای مرکزی این معبد جلیل مشاهده می‌گردد، الهام‌بخش باشد نمی‌تواند تنها عامل و یا حتّی عامل اصلی نقشی انگاشته شود که مشرق‌الاذکار، به نحوی که قلم مهیمن حضرت بهاء‌الله آن را طرح فرموده، مقدّر است در حیات ارگانیکی جامعه بهائی ایفا نماید. عبادت بهائی هر قدر مفهومش متعالی و انجذابش شدید باشد ولی جدا از اقدامات اجتماعی و بشردوستانه و مساعی آموزشی و علمی متمرکز در ملحقات مشرق‌الاذکار، هرگز نمی‌تواند نتایجی برتر از ثمرات ناچیز و غالباً زودگذر حاصله از تأملات زاهد گوشه‌گیر و یا عبادات عابد بی‌تحرّک داشته باشد. اینچنین عبادتی نمی‌تواند به نفس عبادت‌کننده رضایت و نفعی پایدار ببخشد تا چه رسد به عامّه نوع بشر مگر آنکه در خدمت مجدّانه و خالصانه به عالم انسانی حلول و تجسّد یابد، خدمتی که ترویج آن اعظم موهبت ملحقات مشرق‌الاذکار است. مساعی نفوسی که در حول و حوش مشرق‌الاذکار به تمشیت امور جامعه مشترک المنافع آتیّه بهائی اشتغال خواهند داشت نیز هر قدر خالصانه و مجدّانه، ثمربخش و مؤثر نخواهد بود مگر آنکه هر روز با عوامل روحانیّه متمرکز در بقعه مشرق‌الاذکار و منتشر از آن قرین گردد. هیچ چیز جز فعل و انفعال مستقیم و مستمرّ بین قوای روحانیّه ساطعه از این مشرق‌الاذکار و متمرکز در قلب این معبد، و هم‌عالیه و مساعی مبذوله نفوسی که امور آن را در راه خدمت به نوع بشر اداره می‌کنند، ممکن نیست بتواند عوامل ضروریّه‌ای را فراهم نماید که آرام و اسقام مزمنه‌ای که بشریت را به شدّت مبتلا نموده است برطرف سازد. زیرا نجاح و فلاح جهان پرمشقت، به یقین مبین بالمآل منوط به آگاهی نفوس از دریاق اعظم آیین حضرت بهاء‌الله است که از یک طرف با ارتباط معنوی با روح آن حضرت و از طرف دیگر با تنفیذ حکیمانه و اجرای خالصانه اصول و قوانین نازله از قلم اعلایش تقویت و تحکیم می‌گردد. در بین همه مؤسّساتی که به نام مبارکش منتسب‌اند مسلماً هیچ یک جز مؤسّسه مشرق‌الاذکار نمی‌تواند به نحو اکمل و اتم ضروریّات عبادت و خدمت بهائی را که هر دو برای تجدید حیات عالم لازم و واجب است تأمین نماید. این است راز عظمت و قدرت و موقعیت بی‌نظیر مشرق‌الاذکار به عنوان یکی از مؤسّسات برجسته‌ای که حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده‌اند.

(ترجمه‌ای از توفیق مورّخ ۲۵ اکتبر ۱۹۲۹ خطاب به احبّای ایالات متّحده امریکا و کانادا) [۳۸]

دعا و مناجات در مشرق‌الاذکار می‌تواند به هر لسانی تلاوت شود و این کار منحصر به اطفال نیست. تغییرات جزئی در متن مناجات‌ها مجاز است و توصیه می‌نمایم که شما لحنی از موسیقی به آثار نازله بدهید که به نظر این عبد فوق‌العاده مؤثر

خواهد بود. دعا خواهیم کرد که محبوب بی‌همتا شما را ملهم به الهامات خود نماید تا موفق به اجرای این خدمت عظیم به امر الله شوید.

(ترجمه‌ای از دستخط حضرت شوقی افندی، ضمیمه نامه مورخ ۸ آوریل ۱۹۳۱ صادره از جانب آن حضرت خطاب به یکی از احبّا)

[۳۹]

از مجهودات بی‌وقفه و فداکارانه احبّای امریکا در شرایط بحران شدید اقتصادی و مالی که اکنون کشورشان و تمامی جهان را در بر گرفته، عمیقاً قدردانی می‌کنم. ترفیع بنای مشرق‌الأذکار تحت چنین وضعیتی و تکمیل تزیینات ظریف و نفیس آن به همت تنها تعدادی انگشت‌شمار از پیروان امر الهی، و علیرغم افسردگی، بلا تکلیفی و خطرانی که محیط‌شان را احاطه نموده، به راستی خود دیگر گواهی است از مظاهر قوای غیبیه قاهره حضرت بهاءالله که فیوضات موهوبش شامل حال جمیع نفوسی خواهد شد که به اجرای اوامرش قیام نمایند. امر الهی در حال ورود به مرحله‌ای از فتوحات بی‌سابقه است. اگر ما به سهم خود کلیه فرامین و وصایای مولای محبوب را به مرحله اجرا گذاریم، عظمت و قدرت امر الله تدریجاً ظاهر خواهد شد.

(ترجمه‌ای از دستخط حضرت شوقی افندی، ضمیمه نامه مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ صادره از جانب آن حضرت خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متحده امریکا و کانادا)

[۴۰]

برای جوامع بهائی پراکنده در شرق و غرب عالم که اکثر آنها با محدودیت و ستم روزافزون مواجه‌اند و هیچ یک نمی‌توانند مدّعی بهره‌مندی از فیوضات دوگانه‌ای باشند که یک مشرق‌الأذکار با طرح و بنایی مخصوص و یک نظم اداری کامل و مؤثر همواره اعطا می‌کند، تمرکز و وجود دو نهاد در یک محل، یعنی آنچه در آینده سرچشمه حیات روحانی جامعه شناخته خواهد شد با آنچه هم‌اکنون مرکز فعالیت‌های اداریش محسوب می‌شود، نشانه آغاز مرحله دیگری از تکوین تدریجی و نامحسوس الگوی جامعه بهائی در این دوران رو به زوال است — جامعه‌ای با بنیانی الهی، با وحدتی ارگانیک، با بینشی روشن، و با حیاتی پویا که هدف اصلی‌اش ملهم از دو اصل هدایت‌کننده می‌باشد، عبادت خداوند و خدمت به هم‌نوع.

(ترجمه‌ای از دستخط حضرت شوقی افندی، ضمیمه نامه مورخ ۴ ژوئیه ۱۹۳۹ صادره از جانب آن حضرت خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متحده امریکا و کانادا)

[۴۱]

از مشرق‌الأذکار که حضرت بهاءالله آن را در کتاب مستطاب اقدس محلی برای عبادت مقرر فرموده‌اند، نمایندگان جوامع بهائی هم محلی و هم ملی همراه با اعضای لجنات مربوطه وقتی که هر روز در سحرگاهان در آن مکان جمع می‌شوند، الهامات لازمی دریافت خواهند کرد که آنان را قادر خواهد ساخت تا طی تلاش‌های روزانه‌شان در حظیره‌القدس که عرصه فعالیت اداری‌شان است به ایفای وظایف و مسئولیت‌های خویش، آنچنان که شایسته حارسان منتخب امر اقومش است بپردازند.

(ترجمه‌ای از کتاب قرن بدیع، *God Passes By*)

[۴۲]

احداث این نماد و مبشر نظم جهانی حضرت بهاءالله، نظم‌ی که هنوز در مرحله جنینی تکوینش می‌باشد، در میان هرج و مرج، اضطرابات، رقابت‌ها، و بحران‌های مکرر که علایم زوال تمدنی در حال احتضار است، بالاتردید تحرک عظیمی در سیر اعتلای امر الله در جمیع قارات کره ارض فراهم خواهد آورد و بیش از هر اقدام دیگری، توجه انبوه مبتلایان به فقر روحانی، محرومیت اقتصادی، ناآرامی اجتماعی، و نابسامانی اخلاقی در قاره‌ای پراستلا را به مؤسسات نوپیداش جلب خواهد نمود.

(ترجمه‌ای از دستخط حضرت شوقی افندی، ضمیمه نامه مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۴ صادره از جانب آن حضرت خطاب به محفل روحانی ملی آلمان و اطریش)

[۴۳]

از نامه‌های صادره از جانب حضرت ولی‌امرالله

و از جمله آثار افروختگی و برازندگی و فرزاندگی و نشاط قلبی و انبعاثات روحی اجتماع در مشرق‌الأذکار در اسحار است و تضرع و مناجات در آن معبد جلیل پرانوار خیلی این مسئله مهم است و ثمرات آن عظیم نفس این اجتماع در مشرق‌الأذکار در اسحار سطوت امر را بنمایاند و قوه و نفوذ کلمه الله را آشکار کند تعلق قلوب را باو امر الهیه واضح نماید و توجه نفوس را بشطر احدیه ظاهر و باهر فرماید ابداً تهان و فتور در این عمل مبرور جائز نه.

(نامه مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۲۸ خطاب به احبای عشق‌آباد)

[۴۴]

در مورد خصوصیت جلساتی که در تالار مشرق‌الأذکار منعقد می‌شود، حضرت ولی‌امرالله معتقدند که این جلسات باید صرفاً خصوصیت عبادت داشته باشد و مطلقاً شامل سخنرانی‌ها و خطابه‌های بهائی نباشد. در حال حاضر هیکل مبارک تشکیل جلسات بهائی از جمله انجمن شور روحانی در سالن زیرزمینی مشرق‌الأذکار را بلامانع می‌بیند. حضرت شوقی افندی مؤکداً تشویق می‌فرمایند که سرود خواندن گروه کُر توسط مردان، زنان و اطفال در تالار مشرق‌الأذکار معمول شود و از انعطاف‌ناپذیری در روش عبادت بهائی مطلقاً و اکیداً احتراز گردد. هر چقدر خصوصیت عبادت بهائی در مشرق‌الأذکار عمومی‌تر و غیر رسمی‌تر باشد مطلوب‌تر است. استفاده از تصاویر و عکس‌ها به استثنای اسم اعظم، امری است که باید شدیداً از آن خودداری نمود. مناجات‌های نازله از قلم حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و همچنین آثار مقدسه انبیای الهی و سرودها بر اساس آثار مقدسه بهائی و غیر بهائی باید قرائت و یا تلاوت شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۳۱ خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متحده آمریکا و کانادا)

[۴۵]

آرزوی قلبی حضرت ولی‌امرالله آنست که نما و منظر مشرق‌الأذکار و اصولی که این مؤسسه بر آن استوار است در قلوب نفوس آن محل نفوذ کرده به جذب آنان به امر مبارک کمک نماید. ساختن بنایی زیبا به تنهایی کافی نیست بلکه ما باید آن را مملو از نفوس مشتاق و مخلصی نماییم که طالب فضای روحانیش باشند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ مه ۱۹۳۱ خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متحده آمریکا و کانادا)

[۴۶]

در باره برنامه‌هایی به منظور جمع‌آوری تبرعات برای مشرق‌الأذکار استفسار نموده بودید. حضرت شوقی افندی معتقدند که بهترین و والاترین روش همانا تبرعات داوطلبانه‌ای است که با طیب خاطر و حسّی از فداکاری در راه پیشرفت امر الله تقدیم می‌شود. این مشرق‌الأذکار باید با فداکاری بنا شود و حقیقتاً روش شایسته این است. تمسک به این اصل است که لزوماً دریافت هرگونه کمکی از غیر بهائیان را منتفی می‌سازد. یک معبد بهائی باید منحصرراً توسط بهائیان بنا شود؛ چنین مشروعی یک فعالیت بشردوستانه معمولی نیست که برای آن بتوان از هر فردی تقاضای کمک نمود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۳۲ خطاب به احبای کینوشا "Kenosha"، ویسکانسین

[۴۷] ("Wisconsin")

تبرّعات شما برای مشرق‌الاذکار و همچنین روش قابل توجهی که احبای عزیز را در فعالیت‌هایشان برای توسعه دامنۀ اعلان عمومی امر مبارک مساعدت می‌نماید خدمتی حقیقی و سرمدی است. اگرچه در حال حاضر قادر به تقدیم تبرّع مالی به میزان سال‌های گذشته نیستید، نباید احساس دل‌سردی نمایید تا چه رسد به یأس و ناامیدی. بهترین روش حمایت مؤثر شما از تأسیس مشرق‌الاذکار از طریق امکانات مالی نیست بلکه از طریق وظیفۀ اساسی شما یعنی تعمیم کمک روحی و معنوی به کسانی است که مسئول بنای آن بنیان مقدّس و بی‌نظیر می‌باشند. عشق، خلوص و اشتیاق حقیقی است که مآلاً می‌تواند تکمیل بنای مشرق‌الاذکار را تضمین نماید. ملاحظات مادی هرچند ضروری است ولی به هیچ وجه مهم‌ترین عامل نیست. اگر به غیر از این بود بنای مشرق‌الاذکار هرگز به مرحله پیشرفت کنونی خود نمی‌رسید زیرا منابع جامعه محدود و طیّ دو سال گذشته شدیداً تحت تأثیر بحران اقتصادی بی‌سابقۀ جهانی بوده است. اما علیرغم همه این موانع مادی، مشرق‌الاذکار پیشرفتی بدون وقفه نموده و این خود به تنهایی کافی است که هر ناظر بی‌طرفی را متقاعد به قدرت قوای محرّکه امر الله سازد، قوایی که تحت تأثیرش همه مشکلات مادی می‌باید مآلاً زایل گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ دسامبر ۱۹۳۳ خطاب به یکی از احبّا) [۴۸]

در مورد تلاوت الواح با صوت در مشرق‌الاذکار، حضرت شوقی افندی مایلند به احبّا توصیه فرمایند که از هرگونه انعطاف‌ناپذیری و یکسانی در مسائل عبادتی اجتناب نمایند. خواندن مناجات‌ها به زبان‌های شرقی چه بدون صوت و چه با صوت بلامانع است ولی در عین حال خواندن این نوع مناجات‌ها در مراسم دعا در تالار اجتماعات مشرق‌الاذکار ابداً الزامی نیست. این روش نه باید ضروری تلقی شود و نه ممنوع. نکته مهمی که باید همیشه به خاطر داشت آنست که به استثنای نمازهای مشخص، حضرت بهاءالله هیچگونه دستور صریح و خاصی در مسائل مربوط به نیایش و عبادت چه در مشرق‌الاذکار و چه در اماکن دیگر صادر نفرموده‌اند. دعا و مناجات اصولاً ارتباطی است بین انسان و خداوند و به این ترتیب فراتر از کلیۀ رسوم و مناسک است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۵ ژوئن ۱۹۳۵ خطاب به محفل روحانی ملى ایالات متّحدۀ امریکا و کانادا) [۴۹]

و قد ابتهج حضرته خصيصاً من الهمة المبدولة لشرآء ارض حظيرة القدس و التبرّعات الّتی جمعت لهذا الأمر المرغوب المحمود ... و لسيادته وطيد الأمل بأنّه في هذه السنّة يتوفّق الأحبّاء متّفقاً في تأسيس بنیان حظيرة القدس و شرآء ارض في محلّ مناسب في عاصمة ذلك القطر.

ثمّ تفضّل حضرته بأنّه يلزم التعاون و التعاضد المستمرّ و مشروط بوجود التّضحية حتّى يتحقّق هذا المشروع الخطير الّذى هو مقدّمة لتأسيس مشرق‌الاذکار في ذلك الاقليم و بذلك يزداد الدوائر الأمریّة و استحکام المؤسسات الالهیّة و نفوذ الجامعة و اقتداره رونقاً و بهاءً.

(نامه مورّخ ۱۴ مه ۱۹۳۶ خطاب به محفل روحانی ملى مصر) [۵۰]

معنی تعلیم الفت و محبّت نوع بشر در دیانت بهائی این است که ما همواره باید آماده باشیم تا حتّی المقدور به کسانی که مضطرب و رنجورند از هر جهت کمک و مساعدت نماییم. خیرات و مبرّات بهائی جوهر تعلیم الهی است و لذا باید در هر جامعۀ بهائی توسعه یابد. مؤسّسات خیریه از قبیل دارالایتام، مدارس و بیمارستان‌های رایگان برای فقرا، از متفرّعات ضروری هر مشرق‌الاذکار است. هر جامعۀ محلّی بهائی مسئول است که به وسایل ممکنه رفاه اعضای فقیر و نیازمندش را تأمین نماید.

در مورد سواد لوحی از حضرت عبداله‌اء که به ضمیمه مکتوب مورّخ ۲۰ اکتبر خود ارسال نموده بودید و در آن هیکل مبارک ترتیب بنای ساختمان‌های متفرّعات مشرق‌الأذکار را تعیین می‌فرمایند: حضرت شوقی افندی معتقدند که این لوح نباید به نحوی محدود و انعطاف‌ناپذیر تعبیر و تفسیر شود و این مفهوم را برساند که این متفرّعات باید دقیقاً طبق ترتیب مذکور بنا شوند. همینطور نباید آن را فهرست جامعی از تمام ساختمان‌هایی دانست که در آینده در اطراف بنای مرکزی مشرق‌الأذکار تأسیس خواهند شد. بیت العدل عمومی تعداد و ترتیب بنای متفرّعات آینده مشرق‌الأذکار و روابط آنها نسبت به یکدیگر و نسبت به خود مشرق‌الأذکار را تعیین خواهند نمود. اگر نسخه اصلی لوح مبارک را در دست دارید ارسال آن به حضرت ولی‌امرالّله موجب قدردانی ایشان خواهد شد.

در مورد سؤال راجع به رابطه یک ساختمان اداری با مشرق‌الأذکار: این نکته نیز باید در آینده تعیین شود ولی این رابطه هر شکل و جزئیاتی که در آینده داشته باشد باید بر اساس این اصل کلّی باشد که این دو مجموعه از مؤسّسات بهائی نمایان‌گر دو جنبه ضروری و متمایز ولی جدایی‌ناپذیر حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت هستند. بنای مرکزی مشرق‌الأذکار که منحصرّاً به عبادت اختصاص دارد معرّف عنصر روحانی است و از اینرو نقشی اساسی در هر جامعه بهائی دارد در حالی که کلّیه متفرّعات دیگر، اعمّ از اینکه صرفاً جنبه اداری، فرهنگی و یا بشردوستانه داشته باشند، نسبت به خود مشرق‌الأذکار از نظر اهمّیت در درجه دوم قرار دارند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ خطاب به محفل روحانی ملّی ایالات متّحده آمریکا و کانادا) [۵۲]

در مورد سؤال کلّی در باره مشرق‌الأذکار و تشکیل جلسات عبادت در آن:

حال که اوّلین و معظمّ‌ترین مشرق‌الأذکار غرب بنا شده و تا چند سال آینده برای نیایش و جلسات منظمّ عبادت توسط بهائیان مورد استفاده قرار خواهد گرفت، حضرت ولی‌امرالّله مایلند مؤکداً انداز فرمایند که مبدا هیچگونه ترتیبات، تشریفات و یا آدابی، به غیر از حدّ اقلّ مندرج در تعلیم الهی مرسوم گردد. ماهیت این جلسات همانا دعا، تفکّر و تلاوت آیات از آثار مقدّسه بهائی و سایر ادیان است. تعداد تلاوت‌کنندگان ممکن است یک نفر یا بیشتر باشد؛ هر بهائی و حتی غیر بهائی که از او خواسته شود می‌تواند جزو تلاوت‌کنندگان باشد. جلسات باید ساده و موقّر و به نحوی برگزار شود که روح را با استماع کلام خلاق الهی به اهتزاز آورده تعلیم و تعالی بخشد. ایراد نطق و ارائه مطالب اضافی نباید صورت گیرد.

حضرت بهاء‌الله استفاده از منابر را نهی فرموده‌اند. ایستادن تلاوت‌کننده بر روی سکوی کوتاهی به منظور استماع بهتر حاضرین بلامانع است ولی سکو نباید در طرح معماری ساختمان گنجانده شود.

...

تلاوت‌کننده باید در محلّی بایستد که به خوبی توسط همه دیده و شنیده شود. کلّیه جزئیات این مطلب به صلاح‌دید محفل روحانی شما واگذار می‌شود که پس از دریافت نظر افراد مجربّ، تصمیمات لازم را اتّخاذ نماید. همانطور که هیکل مبارک قبلاً به شما اطلاع داده‌اند، پیشنهادشان این است که محلّ نشستن حاضرین بهتر است ثابت و غیر قابل حمل باشد.

اجرای موسیقی فقط صوتی، بلامانع است و تعیین محلّ ایستادن خواننده یا گروه خوانندگان منوط به تصمیم محفل شما می‌باشد ولی در این مورد نیز نباید مکان مشخصی تعیین شود و نه محلّ مخصوصی در جزئیات طرح معماری علامت‌گذاری شود. کیفیت انعکاس صوت قطعاً باید عامل اصلی در تعیین محلّ خوانندگان باشد.

...

هیکل مبارک لزومی بر تأکید اهمّیت فوق‌العاده تصمیماتی که شما باید در رابطه با اتمام ... مشرق‌الاذکار اتخاذ نمایید نمی‌بیند. آن حضرت توصیه می‌فرمایند که شما همواره بهترین توصیه‌های فنی را جویا شوید و در نظر داشته باشید که نکته اصلی آن است که جلسات در مشرق‌الاذکار باید در محیطی زیبا و باصفا، آرام و با متانت و سادگی صورت گیرد و به نحوی برگزار شود که حضار بتوانند اصوات را به بهترین وجهی بشنوند و کیفیت صدا دل‌نشین باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶ خطاب به محفل روحانی ملّی ایالات متّحده آمریکا و کانادا) [۵۳]

خصوصیّات اصلی طرح بر طبق تصریحات حضرت عبدالهء این است که بنا باید نه ضلعی و مدوّر باشد. به غیر از این، معمار در انتخاب سبک طرح خود هیچ محدودیتی ندارد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۴ به محفل روحانی ملّی آلمان و اطریش) [۵۴]

نکته دیگری که به اختصار ذکر می‌شود این است که مشرق‌الاذکار ویلمت الگویی برای سایر مشارق اذکار نیست و همچنین نمونه سبک جدیدی از معماری بهائی نمی‌باشد. بنا بر این لزومی ندارد که معماران شما سعی در متابعت از آن طرح نمایند. آنچه لازم الاجراست پیروی از دستورات حضرت مولی الوری در مورد مشرق‌الاذکار است و سپس ایجاد طرحی مطلوب و مناسب برای منطقه شما می‌باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۰ فوریه ۱۹۵۵ خطاب به محفل روحانی ملّی آلمان و اطریش) [۵۵]

باید مراقب بود که در ساختن مشرق‌الاذکار، فرد تحت تأثیر آرمان‌ها و احساسات ناشی از شرایط قرار نگیرد بلکه با واقع‌بینی کامل به این نکته واقف باشد که مشارق اذکار بناهایی صرفاً ساخته از سنگ و فولاد است. آنچه مشرق‌الاذکاری دل‌نشین و جذّاب ایجاد خواهد کرد انجام مفروضات است نه تقلید از بنای مقام اعلی و یا مشرق‌الاذکار ویلمت. ما به دنبال نمونه‌های فوق‌العاده معماری نیستیم بلکه طالب بروز قوایی هستیم که از ساختن اوّلین بنای روحانی در قاره اروپا منبعث خواهد شد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۹ نوامبر ۱۹۵۶ خطاب به محفل روحانی ملّی آلمان و اطریش) [۵۶]

تأثیرات این امّ‌المعابد تمامی منطقه پاسفیک بعد از اتمام ساختمان‌ش، همانا لایتناهی و شگفت‌انگیز خواهد بود. مولای محبوب خطاب به احبّای امریکایی فرمودند که مشرق‌الاذکار ویلمت بزرگ‌ترین مبلغ صامت خواهد بود و شبهه‌ای نیست که آن بنا اثراتی عمیق در انتشار امر الله نه تنها در ایالات متّحده آمریکا و نیم‌کره غربی بلکه در سراسر عالم داشته است. بنا بر این می‌توانیم انتظار داشته باشیم که ساختن ”امّ‌المعابد“ دیگری در قلب اقیانوسیّه و دیگری در قلب افریقا، و همچنین دیگری در قلب اروپا اثرات عظیمی هم در سطح محلی و هم بین‌المللی خواهد داشت.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۷ خطاب به محفل روحانی ملّی استرالیا) [۵۷]

از دستخط‌های بیت العدل اعظم

سؤالات مندرج در مرقومه مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۶۴ شما راجع به نحوه استفاده از مشرق‌الاذکار مورد توجه دقیق قرار گرفته است.

محفل شما مختار است مستخرجاتی از کتب مقدسه ادیان شناخته شده گذشته را به صلاح دید خود انتخاب نماید.

در خصوص سؤال شما راجع به قرائت هم‌زمان یک متن توسط چند نفر، این روش مجاز است مشروط به اینکه از نظر محفل شما جنبه تئاتر یا نمایش نداشته باشد و چنان هم به نظر نیاید. در خصوص محل استقرار خواننده، همانطور که حضرت ولی محبوب امر الله فرموده‌اند: ”تلاوت کننده باید در محلی بایستد که به خوبی توسط همه دیده و شنیده شود.“

موسیقی در مشرق‌الاذکار باید فقط صوتی باشد چه صوت یک فرد و یا گروه. استفاده از یک میهمان، یک گروه کر صوتی، یا یک تک‌خوان بلامانع است مشروط بر اینکه چنین اجراهایی به تبلیغات برای برنامه‌های عبادتی مشرق‌الاذکار تبدیل نگردد و احتیاطات لازمی که شما ذکر کرده‌اید صورت گیرد. استفاده از اصواتی که امروزه به نحو مرغوبی ضبط می‌شود بدون شک اجرای برنامه‌ها را با بالاترین کیفیت و با هزینه کم ممکن می‌سازد ولی تمام اشارات موجود به موسیقی صوتی در بنای مشرق‌الاذکار مفهوم حضور واقعی خوانندگان را می‌رساند.

در نامه‌ای صادره از جانب هیکل مبارک در سال ۱۹۳۱ خطاب به یکی از احبای ساکن شیکاگو، مندرج در ”اخبار امری“، شماره ۵۵، صفحه ۴، حضرت شوقی افندی ابراز امیدواری فرموده‌اند که ”حال که ساختمان به اتمام رسیده مشرق‌الاذکار مملو از متحرّیان مخلص و پاک‌دل خواهد شد. این مشرق‌الاذکار باید متفاوت از سایر معابد باشد که حتی اگر مملو از نفوسند ولی علت جذب آنان اصغای موسیقی است. در این مشرق‌الاذکار قوای روحانی باید چنان قوی باشد که قلب هر نفس حاضر را نسبت به شکوه و جلال حضرت بهاءالله آگاه نماید.“

در خاتمه، مروری بر آخرین پاراگراف‌های توفیق منیع مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۲۹ حضرت ولی محبوب امر الله خطاب به جامعه بهائی امریکا ماهیت واقعی مشرق‌الاذکار را به وضوح آشکار می‌سازد. در آن سطور، هیکل مبارک تجملات و تشریفات مفصل را تقبیح فرموده انداز می‌فرمایند که مبدا ”محوطه داخلی بنیان مرکزی به مجموعه‌ای از مراسم مذهبی و نیایشی“ تبدیل گردد و یا اینکه ”منظره‌ای از مراسم و مناسک فرقه‌ای نامنسجم و مغشوش“ شود. در پایان، حضرت شوقی افندی عبادت بهائی و خدمات منبعث از مؤسسه مشرق‌الاذکار را به هم مرتبط ساخته آنها را عاملی حیاتی برای احیای عالم و رمز مقام بی‌نظیری می‌شمارند که این مؤسسه رفیع قوی الارکان و عظیم الشان دارا می‌باشد.

(ترجمه‌ای از دستخط مورخ ۱۳ مارس ۱۹۶۴ خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متحده امریکا) [۵۸]

این جمع ممانعتی برای برگزاری مراسم ازدواج بهائی روی پله‌ها در خارج سالن مرکزی مشرق‌الاذکار نمی‌بیند ولی پیشنهاد می‌شود که مهمان‌سرای موجود در زمین مشرق‌الاذکار حتی جای مناسب‌تری برای این منظور خواهد بود. همچنین تلاوت ادعیه و آیات در داخل مشرق‌الاذکار قبل و یا بعد از مراسم ازدواج اقدامی مناسب خواهد بود.

(ترجمه‌ای از دستخط مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۳ خطاب به محفل روحانی ملی پاناما) [۵۹]

حضرت بهاء‌الله از بدایت رسالت عظیم خویش توجّه ملل عالم را مؤکّداً به ضرورت انتظام امور عالم بشری در جهت ایجاد جهانی متحد و متّفق در جمیع شئون اساسی حیات خود جلب فرمودند. آن حضرت در آیات و الواح بی‌شمار مکرراً و به انحای گوناگون اعلام فرمودند که ”نمّو عالم و تربیت امم“ از جمله فرامین الهیّه برای این یوم افخم است. وحدت عالم انسانی که اصل عامل و در عین حال هدف غایی این ظهور اعظم الهی است مستلزم برقراری انسجامی پویا بین نیازهای روحانی و عملی زندگی بر روی کره زمین می‌باشد. لزوم قطعی این انسجام در حکم نازل از قلم اعلی در باره تأسیس مشرق‌الاذکار — مرکز روحانی هر جامعه بهائی که در اطراف آن ملحقاتی برای پیشرفت اجتماعی، بشردوستانه، آموزشی و علمی نوع انسان باید شکوفا گردد — به طور واضح بیان شده است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ خطاب به بهائیان جهان) [۶۰]

همانطور که در یکی از پیام‌های قبلی ذکر کرده‌ایم، شکوفایی جامعه به خصوص در سطح محلی نیاز به بهبود قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتار دارد: آن الگوهایی که به وسیله آنها جلوه جمعی خصایل فرد اعضای جامعه و کارکرد محفل روحانی در وحدت و صمیمیت جامعه و در پویایی فعالیت و رشد آن متجلی است. شکوفایی جامعه نیاز به همبستگی عناصر متشکله آن — یعنی بزرگسالان، جوانان، اطفال — در فعالیت‌های روحانی، اجتماعی، آموزشی، اداری و اشتغال آنان در نقشه‌های محلی تبلیغ و توسعه دارد. لازمه شکوفایی جامعه وجود اراده‌ای جمعی و احساسی از هدف‌مندی است تا به محفل روحانی از طریق انتخابات سالیانه تداوم بخشد. این شکوفایی شامل نیایش جمعی پروردگار است. از اینرو، برگزاری جلسات مرتّب دعا، در صورت امکان در حظیرة‌القدس‌های محلی و در غیر این صورت در اماکن دیگر از جمله در منازل احبّاء، برای حیات روحانی جامعه ضروری است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۶ خطاب به بهائیان جهان) [۶۱]

در هر سرزمینی، ما عطشی روزافزون برای حیات روحانی و وضوح اخلاقی مشاهده می‌نماییم. عدم کارآیی نقشه‌ها و برنامه‌هایی برای بهبود انسان که بر اساس یک زندگی که با آگاهی روحانی و فضایل اخلاقی نباشد، تصدیق شده و می‌شود. چه کسانی می‌توانند برای ارضای این اشتیاق مجهّزتر از نفوسی باشند که از تعالیم حضرت بهاء‌الله الهام گرفته به قوای ملکوتی آن حضرت مؤیّدانند؟

...

رشد روحانی منبعث از عبادت فردی از طریق روابط محبّت‌آمیز بین احبّاء در هر محل و با عبادت جمعی جامعه و با خدمت به امر الله و به هم‌نوعان تقویت می‌گردد. این جنبه‌های گروهی حیات معنوی مرتبط به حکم مشرق‌الاذکار است که در کتاب اقدس نازل شده است. اگرچه وقت بنای مشرق‌الاذکار محلی هنوز فرانسیده است، برگزاری جلسات مرتّب دعا که به روی عموم باز است و مشارکت جوامع بهائی در پروژه‌های خدمات بشردوستانه تجلیاتی از این عنصر حیات بهائی و گامی دیگر در جهت اجرای حکم پروردگار عالمیان است.

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند ”قد زینّا سماء البیان بانجم الحکمة و الاحکام فضلاً من لدنا و انا الغفور الکریم یا احبّاء الله فی الدیار ان اعرفوا قدر تلك الايام و تمسکوا بما نزل من لدى الله العلیّ العظیم انه یذکرکم فی السّجن الاعظم و یأمركم بما

يَقْرَبُكُمْ إِلَى مَقَامِ قُرْتِ بِهِ أَبْصَارُ الْمُخْلِصِينَ الْبَهَاءِ عَلَيْكَ وَ عَلَى الَّذِينَ فَازُوا بِكُوثَرِ الْحَيَوَانِ الَّذِي جَرَى مِنْ قَلَمِي الْبَدِيعِ“.

در آستان مقدس دعا می‌کنیم که توجه بیشتر به کنه روحانی تعالیم که این احکام آن را متجلی می‌سازد موجب افزایش ایمان یاران به منشأ کلّ مواهب الهی و جذب نفوسی به امر مبارک از میان بندگان محروم از مائده روحانی‌اش گردد.
(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ خطاب به بهائیان عالم) [۶۲]

یکی از ویژگی‌های بارز عهد پنجم [از عصر تکوین] تقویت حیات نیایشی جامعه از طریق ارتفاع بنای مشارق اذکار ملّی بر مبنای مقتضیات جوامع ملّی خواهد بود. زمان اجرای این طرح‌ها از طرف بیت العدل اعظم در رابطه با پیشرفت فرایند دخول افواج در هر کشور تعیین خواهد شد. این توسعه طیّ مراحل متوالی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء بسط خواهد یافت. بعد از اكمال و اتمام امّ‌المعابد غرب، حضرت ولیّ‌ام‌الله برنامه‌ای برای بنای مشارق اذکار قاره‌ای آغاز کردند. اوّلین آنها مشرق‌الاذکار کامپالا (Kampala)، سیدنی (Sydney) و فرانکفورت (Frankfurt) بود که در پاسخ به اهداف نقشه ده‌ساله ساخته شد. در ادامه این مسیر، بیت العدل اعظم اقدام به بنای مشرق‌الاذکار در شهرهای پاناما (Panama City)، آپیا (Apia) و دهلی نو (New Delhi) نمودند. اما مرحله بنای مشارق اذکار قاره‌ای هنوز اكمال نیافته و یک بنای دیگر باید ساخته شود. با سرور و سپاس فراوان در این ایّام مبارک و فرخنده تصمیم اجرای این آخرین پروژه را اعلام می‌داریم. در طیّ نقشه پنج‌ساله، بنای امّ‌المعابد امریکای جنوبی در سانتیاگو (Santiago)، پایتخت شیلی (Chile) شروع خواهد شد و به این ترتیب یکی از آمالی که حضرت ولیّ‌ام‌الله بالصّراحه بیان فرموده بودند تحقّق خواهد یافت.
(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۱ خطاب به بهائیان جهان) [۶۳]

صد سال پیش در بعد از ظهر روز یازدهم عید اعظم رضوان حضرت عبدالبهاء در حالی که جمعیتی چند صد نفری در حضور مبارک ایستاده بودند اوّلین کلنگ بنای مشرق‌الاذکار را در گروس پوینت (Grosse Pointe) واقع در شمال شیکاگو (Chicago) بر زمین زدند. نفوسی که برای شرکت در این مراسم شکوهمند در آن روز بهاری دعوت شده بودند از پیشینه‌های مختلف از جمله نروژی، فرانسوی، هندی، ژاپنی، ایرانی و امریکایی بومی بودند. گویی معبدی که هنوز ساخته نشده بود منویات مرکز میثاق را تحقّق می‌بخشید چه که در شام‌گاه قبل از این مراسم در باره مشرق‌الاذکار فرموده بودند: ”تا نوع بشر مکانی جهت اجتماع داشته باشد“ و ”اعلان وحدت عالم انسانی از صحن مقدّس آن بلند شود.“

مستمعین آن حضرت در این مراسم و تمام کسانی که در طول سفرهای ایشان به مصر و ممالک غرب خطابات مبارک را استماع می‌کردند یقیناً مفاهیم گسترده این بیانات را برای اجتماع و ارزش‌ها و مشاغل ذهنی آن به خوبی درک نمی‌کردند. حتّی امروز چه کسی می‌تواند ادّعا کند که قادر است از اجتماع آینده‌ای که مقدّر است در ظلّ این ظهور اعظم جلوه نماید جز تصوّری مبهم چیزی در ذهن خود مجسّم نماید؟ احدی نباید تصوّر کند که مدنیّت که تعالیم الهی نوع بشر را به سوی آن پیش می‌برد صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصوّر بسی دور از حقیقت است. حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه امّ‌المعابد غرب ایراد نمودند فرمودند که ”از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آنست که عالم انسانی ترکیب اجتماعی جدیدی به خود خواهد گرفت“ و ”عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد.“ این کلمات و دیگر بیانات بی‌شمار مرکز میثاق که در این دوره بزرگداشت صدمین سال اسفار تاریخی آن

حضرت مکرراً مورد مطالعه و مذاقّه جامعه بهائی قرار می‌گیرد سبب افزایش آگاهی نسبت به تفاوت فاحشی است که بین اجتماع امروز و دیدگاه شگفت‌انگیزی که حضرت بهاء‌الله به عالم عطا فرموده‌اند وجود دارد.

...

در پیام رضوان سال ۲۰۰۱ اشاره نمودیم که در کشورهایی که فرایند دخول افواج به حدّ کافی پیشرفت کرده و شرایط جوامع ملّی مساعد باشد، تأسیس مشرق‌الأذکار ملّی را تصویب خواهیم نمود و شروع این کار یکی از ویژگی‌های عهد پنجم عصر تکوین امر بهائی خواهد بود. اکنون با شعفی بی‌پایان اعلان می‌داریم که مقررّ است دو مشرق‌الأذکار ملّی یکی در کشور جمهوری دموکراتیک کنگو (Democratic Republic of the Congo) و دیگری در پاپوآ گینه نو (Papua New Guinea) بنا شود. در این دو کشور ملاک‌هایی که تعیین نمودیم به نحوی آشکار تحقق یافته و پاسخ مردم به امکاناتی که سلسله نقشه‌های کنونی به وجود آورده خارق‌العاده بوده است. با پیشرفت ساختمان آخرین مشرق‌الأذکار قاره‌ای در سانتیاگو (Santiago)، شروع پروژه‌هایی برای تأسیس مشرق‌الأذکارهای ملّی نشانه رضایت‌بخش دیگری از نفوذ و رسوخ امر الهی در تار و پود اجتماعات بشری است.

گام مهمّ دیگری نیز امکان‌پذیر است. مشرق‌الأذکار که حضرت عبداله‌آ آن را یکی از ”اعظم تأسیسات عالم انسانی“ توصیف فرموده‌اند دو جنبه اساسی و تفکیک‌ناپذیر حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت را به هم می‌پیوندند. پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعالیت‌های جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است به خصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلی است و فرایند آموزشی که توان‌مندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد می‌نماید. ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرّک و اشتغال به فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیر می‌باشد. بعضی از این محدوده‌ها به عنوان جایگاه‌های نشر یادگیری تعیین شده‌اند تا توانایی دوستان را برای پیشبرد برنامه نوجوانان در مناطق مربوطه پرورش دهند. همان طور که اخیراً اشاره کرده‌ایم توان‌مندی برای تداوم بخشیدن به برنامه نوجوانان موجب توسعه حلقه‌های مطالعه و کلاس‌های کودکان نیز می‌گردد. بدین ترتیب جایگاه یادگیری علاوه بر هدف اولیّه‌اش تمامی طرح ترویج و تحکیم را تقویت می‌نماید. در این قبیل محدوده‌های جغرافیایی است که می‌توان طیّ سال‌های آینده تأسیس یک مشرق‌الأذکار محلی را مورد تأمل قرار داد. با قلوبی مملوّ از سپاس به آستان جمال قدم و در نهایت سرور به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم که مشورت با محافل روحانی ملّی مربوطه در باره بنای اولین مشرق‌الأذکار محلی در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی زیر در شرف آغاز است: باتامبانگ (Battambang) در کامبوج (Cambodia)، بیهار شریف (Bihar Sharif) در هندوستان (India)، ماتوندا سوی (Matunda Soy) در کنیا (Kenya)، نورت دل کائوکا (Norte del Cauca) در کلمبیا (Colombia)، و تانا (Tanna) در وانواتو (Vanuatu).

به منظور کمک به تأسیس این دو مشرق‌الأذکار ملّی و پنج مشرق‌الأذکار محلی، صندوقی به نام صندوق مشرق‌الأذکار برای همه این گونه پروژه‌ها در مرکز جهانی تأسیس نموده‌ایم. از احبّای عزیز در سراسر عالم دعوت می‌کنیم که با فداکاری و بر حسب توانایی خود در تقدیم تبرّعات به این صندوق مشارکت نمایند.

هم کاران عزیز و محبوب: کلنگی که یک‌صد سال پیش به ید مبارک حضرت عبدالبهاء بر زمین زده شد حال باید در هفت کشور دیگر بر زمین زده شود. این اقدام نویددهنده‌ی روزی است که به پیروی از دستور حضرت بهاء‌الله، در هر شهر و دهکده بنایی برای نیایش و عبادت پروردگار ساخته خواهد شد، از این مطالع ذکر الهی پرتو انوارش ساطع و طنین حمد و ثنایش مرتفع خواهد گشت.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۲ خطاب به بهائیان جهان) [۶۴]

در تعداد فزاینده‌ای از محدوده‌های جغرافیایی وسعت و پیچیدگی برنامه رشد در تناسب با ازدیاد قابلیت سه شرکت‌کننده نقشه — افراد، جامعه، و مؤسسات — در حال افزایش است تا جوی از حمایت متقابل ایجاد نماید. بسیار خرسندیم که در تعداد روزافزونی از محدوده‌ها همان طور که انتظار می‌رفت اکنون فعالیت‌ها به مرحله‌ای رسیده است که صد نفر یا بیشتر، اشتغال فزون از هزار نفر را در پی‌گیری یک الگوی زندگی روحانی، پویا و تقلیب‌کننده تسهیل می‌نمایند. اساس این فرایند البته از آغاز مبتنی بر حرکتی جمعی به سوی بینشی از رفاه مادی و معنوی بوده که از جانب نفس مقدس محیی عالمیان افاضه گردیده اما وقتی که گروه‌های چنین عظیمی به مشارکت قیام می‌کنند آن گاه حرکت تمامی یک جمعیت به راحتی قابل تشخیص است.

این حرکت در حال حاضر به خصوص در محدوده‌هایی مشهود است که قرار است در آنها مشرق‌الاذکار محلی مرتفع گردد. برای مثال در وانواتو (Vanuatu).... بر مبنای چنین پیشرفت مداوم در زمینه ترویج و تحکیم و اجرای سی دوره از برنامه‌های فشرده رشد است که احباً هم‌گام با سایر ساکنان این جزیره مجدّانه می‌کوشند تا درک عمیق‌تری در باره مشرق‌الاذکار یعنی بنیانی برای حصول ”الفت قلوب و اجتماع نفوس“ را در بین خود حاصل نمایند. ساکنان جزیره تانا با حمایت فعالانه رهبران سنتی خود بیش از صد ایده و نظر در رابطه با طرح این معبد ارائه داده‌اند که خود نمایان‌گر آنست که تا چه حدّ مشرق‌الاذکار افکار آنان را به خود مشغول داشته و چه چشم‌اندازهای جذّابی از تأثیرات آن مؤسسه رفیع‌البنیان بر زیستن در سایه ممدودش آشکار شده است

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۴ خطاب به بهائیان جهان) [۶۵]

بیش از دو سال از زمانی که در رضوان ۲۰۱۲ خبر تأسیس دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی را هم‌زمان با بنای آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در سانتیاگو، شیلی به عالم بهائی اعلان نمودیم می‌گذرد. این اقدامات با رشد حیات جامعه که اکنون از طریق نیایش و خدمت در همه نقاط عالم در حال توسعه و پیشرفت می‌باشد ارتباط مستقیم دارد و به منزله گام‌های جدیدی است که در پیشبرد وظیفه عظیم تأسیس مشرق‌الاذکار در عالم امکان ”باسم مالک الادیان“ که حضرت بهاء‌الله آن را به عهده نوع بشر محوّل فرموده‌اند برداشته می‌شود، مراکزی که در آن نفوس انسانی ”جمع بالاتحاد“ مجتمع گردند، آیات الهی را استماع نمایند، به مناجات پردازند، تا از آنها ”نفحات الله“ منتشر گردد و ”آهنگ تسبیح و تهلیل به ملکوت تقدیس“ رسد.

پاسخ احبّاً در سراسر جهان به دعوت این جمع موجب مسرت عمیق این مشتاقان است. به خصوص در ممالک و مناطقی که اخیراً برای بنای مشرق‌الاذکار تعیین گردیده شاهد سرور خودجوش و تعهد قلبی و فوری احبّاً نسبت به ایفای سهم خود در انجام کارهای ضروری و افزایش پویایی فعالیت‌هایی بوده‌ایم که مستلزم تأسیس مشرق‌الاذکار در بین یک جمعیت است؛ لازمه فداکاری و جان‌فشانی در صرف وقت، نیرو، منابع مادی به صور گوناگون می‌باشد؛ و شایسته کوشش‌های مستمرّ برای

آگاه ساختن گروه‌های فزاینده‌ای از مردم به جهت درک و کسب بینش نسبت به بناهای رفیع الشّانی است که برای ذکر الهی در میان آنها ساخته خواهد شد. پاسخ مشتاقانهٔ جامعهٔ اسم اعظم نمایان‌گر پذیرش مسئولیت‌هایی است که در پیشبرد این پروژه‌ها بر عهدهٔ آن جامعه گذاشته شده است.

...

این پروژه‌ها در چهار کشور به مرحلهٔ تهیهٔ طرح بنای معبد رسیده است. کار تهیهٔ طرح با انتخاب مهندس آرشیکت و تنظیم طرح مقدماتی معماری که شامل مشخص کردن نیازهای ساختمان می‌باشد آغاز می‌گردد و نهایتاً به انعقاد قراردادی برای طرح نهایی می‌انجامد. مهندسین آرشیکت با چالش خطیر طرح مشرق‌الاذکار ”باکمل ما یمکن فی الامکان“ رو به رو هستند، طرحی که به طور طبیعی با فرهنگ محلّی و حیات روزانهٔ کسانی که برای دعا و مناجات در آن گرد هم خواهند آمد هماهنگی داشته باشد. این وظیفه مستلزم خلاقیت و مهارتی است که زیبایی، ظرافت، و شکوه را با اعتدال، کارایی و اقتصاد تلفیق دهد. تعدادی از آرشیکت‌ها از مناطق دور و نزدیک با خشنودی آمادگی خود را برای انجام این کار اعلام نموده‌اند. در عین حال که از این گونه کمک‌ها البته استقبال می‌شود، محافل ملی اهمیت اشتغال مهندسی را که با ناحیهٔ محلّ ساختمان این معابد آشنایی کامل داشته باشند در نظر خواهند داشت.

...

احبّا در سراسر جهان با سرور از مشاهدهٔ این پیشرفت‌ها نیروی خود را در تقویت فرایندهای محدوده‌های جغرافیایی یکی پس از دیگری تمرکز می‌دهند و در انجام این وظایف ارزش تعامل پویا بین عبادت و خدمت را که از شرایط ارتقای پیشرفت روحانی، اجتماعی و مادی جامعه می‌باشد فراموش نکرده‌اند. امید چنان است که نفوسی که مشغول خدمت در شهرها، محله‌ها و دهکده‌ها می‌باشند از مجهوداتی که در ساختن اولین دو بنای مشرق‌الاذکار در ابتدای قرن بیستم در شرق و سپس در غرب به عمل آمد الهام گیرند.

در شهر عشق‌آباد، گروهی از مؤمنین جان‌فشان ایران که در آن سامان اقامت گزیده و برای مدّتی در ترکستان به امنیت و آرامش رسیده بودند، قوای خود را صرف ایجاد الگویی از حیات نمودند که منعکس‌کنندهٔ اصول متعالی روحانی و اجتماعی آیین حضرت بهاء‌الله بود. گروهی که ابتدا از چند خانواده تشکیل شده بود در طیّ چند دهه با ملحق شدن عده‌ای دیگر به چند هزار نفر بهائی بالغ گردید. این دوستان با پیوندهای دوستی و رفاقت حاصله از روح ایمان و اتّحاد در هدف به درجهٔ والایی از هم‌بستگی و پیشرفت نائل شده در سراسر عالم بهائی شهرت یافتند. با درک خود از تعالیم الهی و در فضای آزاد مذهبی که به آنان اعطا شده بود این نفوس با همّت کوشیدند که شرایطی را به وجود آورند تا به تأسیس مشرق‌الاذکار، که ”اعظم تأسیسات عالم انسانیت“ منجر گردد. در قطعه زمینی مناسب در مرکز شهر که به طراز قبول نفس جمال مبارک مزین شده و سالیان قبل ابتیاع گردیده بود، ساختمان‌هایی برای رفاه همگانی ساخته شد از جمله سالنی برای تشکیل جلسات، مدرسی برای کودکان، مسافرخانه‌ای برای بازدیدکنندگان، و یک درمان‌گاه کوچک. یکی از علایم موفقیت‌های قابل ملاحظهٔ بهائیان عشق‌آباد، که در آن سال‌های پربار خود را در رفاه، علوّ طبع و اکتسابات عقلانی و فرهنگی ممتاز ساخته بودند آن بود که می‌کوشیدند تا تضمین نمایند که در جامعه‌ای که بی‌سوادی به خصوص در بین دختران متداول و رایج بود همهٔ کودکان و جوانان بهائی باسواد باشند. در چنین جوّی از رفاه، پیشرفت و مجهودات متحد که در هر مرحله به ید عنایت حضرت

عبدالبهاء پرورش یافته بود، مشرق‌الأذکار باشکوه — برجسته‌ترین بنا در آن ناحیه — تأسیس گشت. تقریباً بیست سال، احباً به خاطر تحقق هدف والای خود از سروری روحانی برخوردار بودند: استقرار یک مرکز نیایش، مرکز تشکیلاتی حیات جامعه، مکانی که نفوس در سپیده‌دم برای دعا و مناجات خاضعانه قبل از آنکه به کار روزانه خود مشغول شوند در آن گرد هم می‌آمدند. با آنکه طوفان لامذهبی نهایتاً در آن منطقه بوزید و آمال را سرنگون ساخت ولی وجود کوتاه‌مدت مشرق‌الأذکار در عشق‌آباد شاهدهی است ماندگار بر اراده‌گروهی از احباً که با الهام از قدرت کلام خلاق الهی توانستند الگویی غنی از حیات به وجود آورند.

کمی بعد از آغاز کار ساختمان مشرق‌الأذکار عشق‌آباد، در نیم‌کره غربی جهان، اعضای جامعه نوپای بهائی امریکای شمالی تحت تأثیر عواطف روحانی و ایمان خالصانه قلبی خود به فکر تأسیس مشرق‌الأذکار در آن سامان افتادند و به منظور کسب اجازه از مولای محبوب در سال ۱۹۰۳ مرقومه‌ای تقدیم حضورش نمودند. از آن لحظه به بعد مشرق‌الأذکار به نحوی جدایی‌ناپذیر با سرنوشت آن خادمان جان‌فشان حضرت بهاء‌الله پیوند خورد. در حالی که پیشرفت این پروژه پیچیده به واسطه پیامدهای دو جنگ جهانی و بحران شدید اقتصادی در طی چندین دهه معوق ماند، هر مرحله از پیشرفت آن با توسعه جامعه و استقرار نظم اداری آن پیوندی نزدیک داشت. در همان روزی که عرش مطهر حضرت ربّ اعلی در قلب کوه کرمل در مارس ۱۹۰۹ استقرار یافت، نمایندگانی در سطح ملی گرد هم آمدند تا نهادی به نام ”هیئت معبد بهائی“ تأسیس نمایند، نهادی که هیئت‌مدیره منتخب آن، هسته مرکزی جوامع محلی در سراسر آن قاره شد. این اقدام به زودی منجر به تشکیل محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده و کانادا گردید. حضرت عبدالبهاء در طی اسفار خود در امریکای شمالی سنگ زاویه آن ساختمان رفیع البنیان، معروف به ام‌المعابد غرب را به دست مبارک خویش با قوای روحانی عظیمی نصب فرمودند. سیل تبرّعات که برای این مشروع عظیم تاریخی از مراکز بهائی در افریقا، آسیا، اروپا، امریکای لاتین و منطقه اقیانوس آرام روان گشت شاهد بارزی از هم‌بستگی و جان‌فشانی احبای شرق و غرب است.

همان طور که پیروان جمال اقدس ابهی در هر سرزمین هر روز افکار خود را حصر در ذکر الهی نموده مستمراً مساعی خالصانه خود را در راه خدمت به او مصروف می‌دارند، امید چنان است که این بیانات پرشور حضرت عبدالبهاء خطاب به نفسی که تحت هدایات صمیمانه حضرتش هم خود را صرف بنای اولین مشرق‌الأذکار نموده بود الهام‌بخش آن عزیزان باشد:

... حال نیز در نهایت انقطاع و به شعله نار انجذاب به عشق‌آباد بشتاب و یاران الهی را تحیت مشتاقانه عبدالبهاء برسان و روی هر یک را ببوس و شدت حبّ این عبد را به جمیع بیان نما و بالتّیابه از عبدالبهاء در بنای مشرق‌الأذکار خاک بکش و گل بردار و سنگ بیر تا انجذاب آن خدمت سبب روح و ریحان مرکز عبودیت گردد. آن مشرق‌الأذکار اوّل تأسیس پروردگار واضح و آشکار است لهذا این عبد امیدوار است که اختیار و ابرار هر یک جان‌فشانی نمایند و فرح و شادمانی کنند و خاک‌کشی را کامرانی شمردند تا این بنیان رحمن بلند گردد و آیین یزدانی منتشر شود و در جمیع اطراف و اکناف نیز به کمال همّت بر این امر عظیم قیام نمایند. اگر عبدالبهاء مسجون نبود و موانع در میان نه البتّه بنفسه به عشق‌آباد می‌شتافت و در بنای مشرق‌الأذکار حمل تراب می‌کرد و بی‌نهایت مسرور و شادمان می‌شد. حال یاران باید به این نیت قیام نمایند و نعم البدل گردند تا به مدتی قلیله این بنیان نمایان گردد و احباً به ذکر جمال ابهی مشغول شوند و آهنگ مشرق‌الأذکار در سحرگاه به ملأ اعلی رسد و گلبانگ بلبلان الهی اهل ملکوت ابهی را به وجد

و طرب آرد دل‌ها خوش شود و جان‌ها بشارت یابد و قلب‌ها روشن گردد. اینست آمال مخلصین و اینست منتها آرزوی مقررین....

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۱ اوت ۲۰۱۴ خطاب به بهائیان جهان) [۶۶]

مشرق‌الاذکار مفهومی منحصر به فرد در تاریخ ادیان و نمادی از روح تعالیم اساسی الهی در این دور یزدانی است و به حقّ می‌توان آن را بنیانی عمومی برای حصول الفت قلوب و اجتماع نفوس دانست، مکانی برای نیایش و عبادت پروردگار که ابواب آن به روی همگان از هر دین و آیین، و هر قوم و ملت باز است و با تساوی کامل، زن و مرد، پیر و جوان و کودک را پذیراست؛ مأمنی است مناسب برای تأمل و تعمّق در مفاهیم روحانی و تفکّر در مسائل بنیادین زندگی مانند مسئولیت فردی و جمعی برای بهبود وضع اجتماع. نشان این یگانگی بی‌نظیر و اجتماع نفوس متنوّع و کثیر حتّی در نفس بنای مشرق‌الاذکار نیز جلوه‌گر است، بنایی که با جوانب و ابواب نه‌گانه‌اش نشانی از حسن جامعیت و کاملیتی است که عدد نه نماد آن می‌باشد.

بنای مشرق‌الاذکار تجلّی‌گاه قوای روحانی و کانون منضّمات و ملحقاتی است که به منظور رفاه نوع بشر و بروز و تحقّق اراده جمعی برای خدمات همگانی تأسیس می‌گردد. این ملحقات شامل مراکز آموزشی، علمی، فرهنگی و اقدامات عامّ المنفعه، مظهر آرمان‌های پیشرفت اجتماعی و تعالی معنوی با استفاده از علم و دانش بشری است و نشان می‌دهد که چون علم و دین با هم هماهنگ شوند راه‌گشای ارتقای مقام انسان و شکوفایی تمدّن گردند. همان طور که به خوبی مطلع و به آن عاملید، نیایش و پرستش پروردگار اگرچه ریشه در فطرت بشری داشته و عامل ترقّی حیات معنوی است ولی باید منشأ ثمر و اثری در عالم وجود گردد و این جدایی‌ناپذیری عبادت و خدمت به هم‌نوع است که مؤسسه مشرق‌الاذکار آن را تجسّم و تحقّق می‌بخشد. در این رابطه به ترجمه فارسی بیانی از حضرت ولیّ عزیز امر الله توجه فرمایید که می‌فرماید:

عبادت بهائی هر قدر مفهومش متعالی و انجذابش شدید باشد ولی جدا از اقدامات اجتماعی و بشردوستانه و مساعی آموزشی و علمی متمرکز در ملحقات مشرق‌الاذکار، هرگز نمی‌تواند نتایجی برتر از ثمرات ناچیز و غالباً زودگذر حاصله از تأملات زاهد گوشه‌گیر و یا عبادات عابد بی‌تحرّک داشته باشد. این چنین عبادتی نمی‌تواند به نفس عبادت‌کننده رضایت و نفعی پایدار ببخشد تا چه رسد به عامّه نوع بشر مگر آنکه در خدمت مجدّدانه و خالصانه به عالم انسانی حلول و تجسّد یابد، خدمتی که ترویج آن اعظم موهبت ملحقات مشرق‌الاذکار است.

حضرت بهاءالله و حضرت ربّ اعلی، دو مظهر ظهور الهی در این عصر نورانی در باره دعا و مناجات چنین آموزش می‌دهند: دعا و مناجات گفتگویی است مستقیم و بدون واسطه بین روح بشر و خالق او؛ به منزله غذای روح است و باعث تداوم حیات روحانی؛ هم‌چون شبنم صبحگاهی موجب طراوت و لطافت قلوب می‌گردد و روان را از تعلّقات نفس اماره پاک و منزّه می‌سازد؛ ناری است که حجبات را می‌سوزاند و نوری است که انسان را به سوی پروردگار می‌کشاند؛ موجد قوّتی است روحانی که پرنده روح را با بال و پر خود در فضای نامتناهی الهی به پرواز درآورده به قریبت درگاه احدیت فائز می‌نماید. آنچه موجب پرورش قابلیت‌های نامحدود روح و سبب جلب تأییدات الهی می‌گردد کیفیت نیایش است و تطویل آن محبوب نبوده و نیست. قدرت نهفته در دعا و مناجات وقتی ظاهر می‌شود که انگیزه اصلی آن محبت الله باشد؛ از ترس، توقّع، تظاهر و خرافات به دور بوده با صداقت و پاکی دل تلاوت شود تا موجب تعمّق و تأمل و سرانجام شکوفایی عقل و خرد انسانی گردد. چنین نیایش بی‌آلایشی از محدوده حروف و کلمات بگذرد و از اصوات و نعمات فراتر رود؛ حلاوت نغمه و آهنگش شادی

آفریند، قلوب را به اهتزاز آرد، بر نفوذ کلمات بیفزاید، تمایلات دنیوی را به صفاتی ملکوتی تبدیل نماید و محرک خدمات خالصانه به عالم انسانی گردد.

...

دعوت این مشتاقان از بهائیان آن است که مساعی جامعه‌سازی را که با پشت‌کار به آن مشغولند به منزله الگوی جدیدی از نحوه اجتماع نوع انسان مشاهده نمایند. این الگوی اجتماع در تمامیت خود، قابلیت خدمت در ابعاد مختلف را افزایش می‌دهد: قابلیت آموزش نسل جوان، قابلیت توان‌دهی به نوجوانان، قابلیت تعلیم و تربیت روحانی کودکان، قابلیت تشویق دیگران به خدمت با مدد نفوذ کلمه الله و بالاخره قابلیت پیشرفت اجتماعی و اقتصادی یک جمعیت و یک ملت در پرتو تعلیم الهی. از جمله اجزای اساسی این الگو جلسات دعا و مناجات می‌باشد که جنبه‌ای جمعی از حیات روحانی و ابعادی از مفهوم مشرق‌الاذکار است. تشکیل این جلسات فرصت گران‌بهایی برای شما عزیزان فراهم می‌سازد تا نه تنها به نیایش و ستایش پروردگار یکتا پرداخته عنایات او را در زندگی خود سائل شوید بلکه قوای روحانی نهفته در دعا و مناجات را با دیگر شهروندان شریف آن آب و خاک نیز در میان گذارید، پاکی و اصالت نیایش را به آنان بازگردانید، موجب افزایش ایمان و اطمینان به تأییدات الهی در قلوب هم‌وطنان عزیزتان شوید، انگیزه خدمت به اجتماع، به وطن و به نوع بشر را در خود و در آنان قوی‌تر سازید و مشوق استقامت سازنده در راه عدالت و انصاف گردید.

دوستان عزیز و محبوب، جلسات دعا و مناجات در آن سرزمین مقدس، در هر شهر، در هر محله، و در هر ده و قصبه، و دسترسی بیشتر دوستان و آشنایان به مناجات‌های بهائی، شما عزیزان را قادر می‌سازد تا بیش از پیش با برادران و خواهران روحانی خود در سراسر عالم در انتشار نور اتحاد سهیم باشید. پس بدین سان و تا سر حد امکان بکوشید و بذرای مشارک اذکار آینده و ملحقات عام المنفعه‌اش را بیافشانید و هزاران هزار شمع نورانی در مقابل تاریکی ظلم و عدوان برافروزید.

(پیام مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ خطاب به احبای ایران) [۶۷]

بی‌گیری سیستماتیک نقشه در همه ابعادش موجب پیدایش الگویی از تلاش جمعی است که از جمله ویژگی آن نه فقط تعهد به خدمت بلکه گرایش به عبادت و نیایش می‌باشد. شدت یافتن فعالیت‌های لازم در پنج سال آینده جنبه نیایشی حیات را در بین کسانی که در محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان دوش به دوش یکدیگر خدمت می‌کنند غنی خواهد ساخت. این فرایند غنی‌سازی هم‌اکنون بسیار پیشرفته است. ملاحظه فرمایید که به عنوان مثال جلسات نیایش و دعا چگونه جزئی جداناپذیر از حیات جامعه شده است. جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می‌تواند با ورود به آن از نفحات روحانی مستفیض گردد، حلاوت دعا را تجربه نماید، در کلام خلاق الهی تأمل کند و با بال و پر روح پرواز نموده به راز و نیاز با محبوب یکتا پردازد. در این جلسات است که احساس دوستی و هم‌دلی ایجاد می‌شود به خصوص ضمن گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در چنین مواقعی پیش می‌آید و از طریق آن ”مداین قلوب“ فتح می‌شود. با تشکیل جلسه‌ای برای دعا که در آن بزرگسالان و کودکان از هر پیشینه‌ای می‌توانند شرکت کنند، روح مشرق‌الاذکار در محله تجلی می‌نماید. گسترش خصلت دعا در یک جامعه بر ضیافت نوزده‌روزه اثر می‌گذارد و در دیگر اوقاتی که دوستان دور هم جمع می‌شوند نیز احساس می‌گردد.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین) [۶۸]

مشرق‌الاذکار ”از اعظم تأسیسات عالم انسانیت“ و با ملحقاتش نمایان‌گر دو جنبه اساسی و لاینفک حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت است. در مقام نمادی پر قدرت و عنصری اساسی از مدنیت الهی که ظهور حضرت بهاءالله همه اهل عالم را به سوی آن دعوت می‌نماید، مشرق‌الاذکار مرکز توجه همگان در هر جامعه‌ای می‌گردد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند ”مشرق‌الاذکار نفحات قدسش روح‌بخش کل ابرار“ است. تأثیراتش بر راستی چنان است که می‌تواند تمامی یک قوم یا جمعیت را به سوی احساسی عمیق از مقصد مشترک نائل گرداند. دیدگان عالم بهائی در این لحظات پرشور ناظر بر این مشرق‌الاذکار جدید التأسيس می‌باشد و اطمینان داریم که این پیروزی که آرزویی دیرینه بوده موجب سرور و حبور کلیه احبّا در سراسر عالم خواهد شد. البته آنان صرفاً به فرح و شادمانی در بین خود اکتفا نخواهند کرد. شایسته است که با الهام از آنچه این بنیان عظیم الشان به خاطر آن مرتفع گردیده سعی کنند دیگران را نیز به کشف این سرور دائمی که منبعث از ذکر و ثناء الهی و خدمت به عالم انسانی است دعوت نمایند.

سر تعظیم و تکریم بر آستان جمال قدم فرو می‌آوریم که پیروان مخلص خود را قادر ساخته است که چنین معبد جلیل القدری از شیشه، سنگ و نور بنا نهند که احساسات تقدیس و تنزیه را پرورش می‌دهد. این سپاس و امتنان آرزوی قلبی این جمع را برای فرارسیدن روز پرشکوهی افزون می‌نماید که موهبت داشتن مشرق‌الاذکار به هر شهر و هر دهکده عطا گردد و در این راستا با اشتیاق ابتدا ناظر به کشورهای هستیم که در آنها مشارک اذکار ملی و محلی در حال تأسیس است. باشد که منظر پرشکوه آنچه جامعه اسم اعظم اکنون در سانتیاگو به اتمامش نائل آمده مشوق و محرک مؤمنین وفادار در سراسر عالم گردد تا بر شدت و حدت خدمات خویش به آستان جمال اقدس ابهی در راه بهبود عالم بیفزایند.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۱۴ اکتبر ۲۰۱۶ خطاب به احبّای مجتمع در سانتیاگو، شیلی به مناسبت افتتاح

[۶۹]

ام‌المعابد امریکای جنوبی)

هنوز یک سال از زمان بزرگداشت اتمام بنای آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای نگذشته که صبح جدیدی در توسعه مؤسسه مشرق‌الاذکار دمیده است. شما در محلّ تجلّی این صبح جدید جمع شده‌اید، یعنی مقرّ اولین مشرق‌الاذکار محلی، بنیانی که آغاز مرحله‌ای است که اکنون در افق طالع گشته. افتتاح این بنای بی‌نظیر فرصتی است تاریخی و نویدبخش تأسیس مشرق‌الاذکارهای بی‌شمار محلی و ملی در تبعیت از حکم حضرت بهاءالله نازل در کتاب مستطاب اقدس که می‌فرمایند ”عمروا بیوتاً بأكمل ما يمكن في الامکان باسم مالک الأديان في البلدان.“

...

بدین ترتیب بنای مشرق‌الاذکار در باتامبانگ، شاهی است از درخشش تابان نور ایمان در قلوب احبّای آن سامان. نقشه این بنا که کار یک معمار ماهر از اهالی کامبوج است وقار و زیبایی فرهنگ آن ملت را بازتاب می‌کند؛ فنون جدید در آن به کار برده شده ولی با طرح‌های سنتی منطقه در هم آمیخته است و به یقین متعلّق به سرزمینی است که از آن برخاسته است. این معبد حتی قبل از افتتاحش موفق شده آگاهی کسانی را که در ظلّ آن ساکنند در باره موضوعی که جزو لاینفک مشرق‌الاذکار است، یعنی جدایی‌ناپذیری عبادت و خدمت در حیات جامعه، افزایش دهد و درک بیشتری را نسبت به اهمیت اتحاد به وجود آورد که حال با عبادت به صورت جمعی در درون مشرق‌الاذکار تقویت خواهد شد. ظهور این بنیان رفیع

محركی است برای کوشش در پرورش جوامعی که امتیازشان اتکا بر کمالات روحانی است، بنیانی که با اهدافی والا توسط مردمانی شریف بنا گردیده است.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ خطاب به احبای مجتمع در باتامبانگ-کامبوج به مناسبت افتتاح مشرق‌الأذکار)

[۷۰]

از نامه‌های صادره از طرف بیت العدل اعظم

در خصوص ملحقات مشرق‌الأذکار، اشارات متعددی در الواح و خطابات حضرت عبدالبهاء به این "متفرعات مهمه" شده است. برای مثال آنچه در لیست هیکل مبارک آمده مکتب اطفال ایتم است و بیمارستان فقرا و اجراخانه و محلّ عجزه و مدرسه علوم عالیّه. و در مقام دیگر بعد از ذکر مؤسسات نام‌برده می‌فرمایند که بناهای عامّ المنفعه دیگری نیز تأسیس خواهد شد.... همچنین بیت العدل اعظم متذکر شده‌اند که نصّی مبنی بر اینکه تعداد ملحقات باید نه عدد باشد ملاحظه نشده است.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۸ مارس ۱۹۷۴ خطاب به یکی از احبّا)

[۷۱]

نمادی از این فرایند [مشارکت جامعه بهائی در پروژه‌های توسعه] را می‌توان در مشرق‌الأذکار و ملحقات آن دید. اولین قسمتی که ساخته خواهد شد بنای مرکزی است که قلب روحانی جامعه می‌باشد. سپس به تدریج ملحقات مختلف تأسیس و آغاز به فعالیت خواهند نمود: "مؤسسات خدمات اجتماعی مانند آتشی که برای تسکین مصیبت‌زدگان، اعانت به فقرا، پناه مسافران، تسلی محرومان و تعلیم عوام" می‌کشند. این فرایند به صورت جنینی و مدّت‌ها قبل از اینکه یک جامعه بهائی به مرحله‌ای برسد که مشرق‌الأذکار خود را بنا کند آغاز می‌شود زیرا حتی اولین مرکز محلی که یک جامعه بهائی تأسیس می‌کند نه تنها به عنوان مرکز روحانی و اداری و محلّ گردهمایی جامعه به کار می‌رود بلکه می‌تواند به عنوان مکانی برای یک مدرسه تقویتی و مرکز فعالیت‌های دیگر جامعه نیز مورد استفاده قرار گیرد. اما در هر حال اصل اساسی همانا تقدّم جوانب روحانی بر مادی است. ابتدا تنویر قلوب و اذهان از طریق امر حضرت بهاءالله است و پس از آن ایجاد تحرّک و تهییج مؤمنین در سطح توده مردم است که مایلند این تعلیم را در زندگی روزانه جوامع خود معمول دارند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۸ مه ۱۹۸۴ خطاب به محفل روحانی ملی برزیل)

[۷۲]

اصطلاح مشرق‌الأذکار در آثار الهی در توصیف موارد مختلفی به کار رفته است: گردهمایی دوستان برای تلاوت دعا و مناجات در اسحرار، ساختمان محلّ این فعالیت، مجموعه کاملی از مؤسسه مشرق‌الأذکار با ملحقاتش، بنای مرکزی این مؤسسه که اغلب "مشرق‌الأذکار" یا "معبد" نامیده می‌شود. این تنوعات همه می‌تواند نشانه‌های مراحل یا جوانب معرفتی تدریجی مفهومی محسوب شود که حضرت بهاءالله آن را در کتاب مستطاب اقدس مقرر فرموده‌اند. خطوط عمل متعددی برای توسعه مشرق‌الأذکار در حال اجرا است و به این خطوط عمل است که احبّا می‌بایست توجه و مساعی خود را معطوف دارند.

(ترجمه‌ای از نامه ۲۰ آوریل ۱۹۹۷ خطاب به یکی از احبّا)

[۷۳]

اصطلاح "مشرق‌الأذکار" وقتی در اشاره به عبادت‌گاه به کار می‌رود دلالت بر یک ساختمان یا مرکزی دارد که نفوس در آن جمع می‌شوند تا کلام الهی را بشنوند و خداوند را عبادت کنند. در حول این مشرق‌الأذکار مرکزی، ملحقات آن قرار دارد که

بیانگر عبادت به شکل خدمت به نوع بشر می‌باشد.

[۷۴]

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۹۸ خطاب به یکی از احبّا)

در این بررسی باید در نظر داشت که استفاده از منتخباتی از آثار مبارکه به عنوان متن یک سرود همراه با موسیقی و تکرار آیات و کلمات مجاز است. یک آهنگ‌ساز آزاد است که با توجه به وظیفه روحانی خویش در رعایت حفظ شأن و احترام مقام و حرمت آثار مقدّسه، سبک موسیقی را تعیین کند....

به علاوه، تکرار آیاتی از ادعیه یا منتخباتی از آثار مبارکه در سرودها به منظور هماهنگی با ضرورت‌های موسیقی بلامانع است.

همانطور که در بالا اشاره شد، تغییرات جزئی در متن و همچنین تکرار جملات در آوازهای گروهی یا عبارات کوتاهی مانند ”الهی الهی“ به اقتضای هماهنگی با ضرورت‌های موسیقی مجاز است. تعیین سبک موسیقی یک قطعه هنری به عهده آهنگ‌ساز است مشروط بر اینکه به وظیفه روحانی خویش در رعایت حفظ شأن و احترام مقام و حرمت آثار مقدّسه توجه داشته باشد.

[۷۵]

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۱ خطاب به محفل روحانی ملّی استرالیا)

خبر افزایش چشمگیر میزان فعالیت‌ها در مشرق‌الأذکار از جمله ازدیاد فزاینده فعالیت‌های اساسی نقشه با مشارکت نفوسی از اجتماع موجب مسرت بیت العدل اعظم گردید.... بر اساس این موفقیت، مسئله‌ای که از اهمیت محوری برای محفل ملّی شما برخوردار است همانا توجه مجدّانه به ترویج وحدت نظر و هدف در بین احبّا است تا بتوانند انسجام بیشتری بین فعالیت‌های مشرق‌الأذکار و اقدامات مربوط به ترویج و تحکیم در محدوده جغرافیایی اوپولو (Upolu) برقرار سازند.

در کانون این مجهودات، فعالیت‌های تبلیغی و فرایندهای جامعه‌سازی در مشرق‌الأذکار خواهد بود. علی‌الخصوص مساعی برای ارائه تعالیم بنیادین دیانت بهائی به بازدیدکنندگان و ساکنین اطراف مشرق‌الأذکار و دعوت آنان به مشارکت در حلقه‌های مطالعه، جلسات دعا، کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان که در فضای اطراف بنای مشرق‌الأذکار و دیگر بخش‌های محدوده جغرافیایی برگزار می‌گردد، باید سیستماتیک بوده، از حمایت منابع انسانی و مالی لازم برخوردار گردد. همچنین طرح برنامه‌ای مخصوص به منظور ارائه دیدگاهی از مشرق‌الأذکار به عنوان مرکز روحانی جامعه و تأثیراتی که می‌تواند بر زندگی مردمان مجاور داشته باشد باید مورد مطالعه قرار گیرد — دیدگاهی از یک مشرق‌الأذکار برای مردم ساموا (Samoa).

امید و طید بیت العدل اعظم آن است که احبّا و نهادهایی که در محدوده جغرافیایی اوپولو (Upolu) به خدمت قائمند، آنچنان توانمند شوند که بتوانند از وجود مشرق‌الأذکار در محلّشان حدّ اکثر استفاده را برای پیشبرد فرایند رشد بنمایند و همچنین وسایل جلب بازدیدکنندگان و بهتر شدن تجربیات‌شان از مشرق‌الأذکار به مرور زمان تلطیف یابد. موفقیت در این مجهودات مانند سایر جنبه‌های حیات جامعه بهائی عمدتاً بسته به نحوه عملکرد دوستان با روحیه یادگیری خواهد بود تا اطمینان حاصل شود که روش‌ها و فعالیت‌ها مستمراً مورد تأمل قرار گرفته بهبود می‌یابد.

[۷۶]

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۱ خطاب به محفل روحانی ملّی ساموا)

بیت العدل اعظم بسیار مسرور شدند که مذاکرات بین احبّا در خصوص اهمّیت مشرق‌الاذکار موجب پیوندی محکم با این مشروع شده و در مسیر مشارکت گسترده‌تر بهائیان و دوستان‌شان در این مجهود جمعی به پیش می‌رود. افزایش آگاهی احبّای کلمبیا (Colombia) در مورد اهمّیت مشرق‌الاذکار موجب مشارکت آنان در تقدیم تبرّعات مادّی نیز گردیده که خود نشان دیگری از تعهّد روحانی آنان است. امید چنان است که این پاسخ اولّیه تا پایان این پروژه استمرار یابد و الگویی برای تقدیم تبرّعات منظمّ به صندوق امر ارائه دهد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ خطاب به محفل روحانی ملّی کلمبیا) [۷۷]

یک مشرق‌الاذکار البتّه جزء لاینفکّی از فرایند جامعه‌سازی است و ساخت آن نمادی مهمّ از توسعه و پیشرفت یک جامعه می‌باشد. بیت العدل اعظم امیدوارند که احبّا در ... با شور و شوق و عزم جزمی که در انجام فعالیت‌های ضروری نقشه پنج‌ساله دارند، تسریع فرارسیدن زمان مناسب برای بنای مشرق‌الاذکار در کشور شما را موجب گردند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳ خطاب به یکی از احبّا) [۷۸]

علاوه بر این، چون انتظار می‌رود که طرح مشرق‌الاذکار ”به طور طبیعی با فرهنگ محلی و حیات روزانه کسانی که برای دعا و مناجات در آن گرد هم خواهند آمد هماهنگی“ خواهد داشت، می‌توان احبّا را تشویق نمود که نظریات اولّیه‌ای در باره شکل ظاهری آن بنا ارائه دهند. امید است که طرح مشرق‌الاذکار مآلاً از عناصر و نمادهایی الهام گیرد که معرفّ فرهنگ مردم کنیا (Kenya) باشد. این نظریات بعد از ارسال به دفتر طراح و ساختمان که به زودی تأسیس خواهد شد، می‌تواند جزئی از شرح مختصّات معماری پروژه باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ خطاب به محفل روحانی ملّی کنیا) [۷۹]

در خصوص سؤالات شما در مورد تفاوت بین مشارق اذکار قاره‌ای، ملّی و محلی: تأسیس مشرق‌الاذکار با ساختن مشرق‌الاذکار در مناطق مختلف عالم آغاز گشت. هم‌زمان با تأسیس این بناها، نقش مشرق‌الاذکار در اشاره به حضور و وعود امر الهی اغلب در بیاناتی تلویحی تأکید می‌شد. حضرت ولیّ‌امرالّله مرقوم فرموده‌اند که مشرق‌الاذکار ”نماد و مبشّر نظم جهانی حضرت بهاء‌الله“ است و به کرات اولین مشرق‌الاذکار هر قاره یا ناحیه‌ای را ”امّ‌المعابد“ تسمیه فرمودند. بیت العدل اعظم در اشاره به آغاز پروژه‌های ساختن مشارق اذکار ملّی، در ابتدای عهد پنجم عصر تکوین و به دنباله شروع بنای آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در کشور شیلی (Chile)، می‌فرمایند که این پیشرفت ”نشانه رضایت‌بخش دیگری از نفوذ و رسوخ امر الهی در تار و پود اجتماعات بشری است.“

ورای این اهمّیت نمادین، مشرق‌الاذکار مؤسسه‌ای با امکانات عملی بسیار زیاد است. چنین انتظار می‌رود که هر کجا محفلی، اعمّ از محلی یا ملّی، تشکیل گردد، مؤسّسات مشرق‌الاذکار و حظیره‌القدس نیز در زمان مناسب برپا خواهد گشت. به فرموده حضرت ولیّ‌امرالّله: ”از مشرق‌الاذکار که حضرت بهاء‌الله آن را در کتاب مستطاب اقدس محلی برای عبادت مقرر فرموده‌اند، نمایندگان جوامع بهائی هم محلی و هم ملّی همراه با اعضای لجنات مربوطه وقتی که هر روز در سحرگاهان در آن مکان جمع می‌شوند، الهامات لازمی دریافت خواهند کرد که آنان را قادر خواهد ساخت تا طیّ تلاش‌های روزانه‌شان در حظیره‌القدس که عرصه فعالیت اداری‌شان است به ایفای وظایف و مسئولیت‌های خویش، آنچنان که شایسته حارسان منتخب امر اقومش است بپردازند.“

مضافاً، مشرق‌الاذکار مقرر است مرکز روحانی هر جامعه باشد و توأم با ملحقاتش که ایجاد خواهد شد، نقشی مهم در ارائه‌ی گویایی شکوفا از حیات جمعی ایفا می‌نماید. در حال حاضر، اولین مشرق‌الاذکار هر قاره، نقش مشرق‌الاذکار ملی را در کشوری که در آن قرار دارد و همچنین در جوامع مجاورش ایفا می‌کند و تأثیر بسزایی در فعالیت‌های محلی دارد. با گسترده شدن فرایند رشد، مشارک اذکار بیشتری در سطوح ملی و محلی بنا شده و یادگیری بسیاری در مورد ماهیت این معابد و نقش آنها در فرایند جامعه‌سازی کسب خواهد شد. و بدین ترتیب ابعاد گوناگون عملکرد این مؤسسه به تدریج نمایان خواهد شد. به فرموده حضرت ولی‌امرالله: ”هیچ یک جز مؤسسه مشرق‌الاذکار نمی‌تواند به نحو اکمل و اتم ضروریات عبادت و خدمت بهائی را که هر دو برای تجدید حیات عالم لازم و واجب است تأمین نماید.“

[۸۰] (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵ خطاب به یکی از احبّا)

متن سرودها برای استفاده در مشرق‌الاذکار نباید حتماً محدود به آثار مبارکه باشد بلکه آنچه لازم است اینکه بر اساس آثار بهائی بوده یا متون مقدسه دیگری که مضامین بهائی را دارا است. باید به خاطر داشت که معیارها برای متون سرودها با معیارهایی که در خواندن یا تلاوت آثار و ادعیه مبارکه در برنامه‌های مشارک اذکار استفاده می‌شود فرق دارد. بنا بر این استفاده از سرودهایی که بر اساس آثار و خطابات حضرت عبدالبهاء است بلامانع می‌باشد.

[۸۱] (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲ نوامبر ۲۰۱۵ خطاب به محفل روحانی ملی استرالیا)

برگزیده‌ای از ادعیه‌ها برای تلاوت در مشرق‌الاذکار از آثار حضرت عبدالبهاء

رَبِّ رَبِّ اَيِّدْهُمْ عَلٰى خِدْمَتِكَ وَ اَشْدِدْ اَزْوَرَهُمْ فِى حَمْلِ الْاَحْجَارِ لِبِنَاءِ مَشْرِقِ الْاَذْكَارِ رَبِّ رَبِّ نَوِّرْ وَجْهَهُ هٰؤُلَاءِ الْاَبْرَارِ بِسَطْوَعِ الْاَنْوَارِ مِنْ مَطْلَعِ الْاَسْرَارِ اَنْتَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُخْتَارُ وَ اَنْتَ اَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ.

[۸۲] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

الهِى الْهِى اَنْتِ اَتَوَجَّهْ اِلَى مَلَكُوتِ رَحْمٰنِيَّتِكَ وَ جِبْرُوتِ فِرْدٰنِيَّتِكَ مُتَضَرِّعًا خَاضِعًا خَاشِعًا مُبْتَهِلًا اِلَى عَتَبَةِ فِرْدٰنِيَّتِكَ اَنْ تَوَيِّدَ اَحْبَائِكَ الْمَخْلُصِينَ عَلَى اِعَانَةِ بِنْيَانِ مَشْرِقِ الْاَذْكَارِ فِى تِلْكَ الْاَفْطَارِ حَتَّى يَشْرِقَ مِنْهُ الْاَنْوَارُ عَلَى سَائِرِ الْجِهَاتِ وَ يَرْتَفِعَ ضَجِيجُ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ فِى الْبُكُورِ وَ الْاَصِيلِ اِلَى مَلِكِ الْاَعْلَى وَ اَفْكَكِ الْاَبْهَى رَبِّ رَبِّ اَسْمَعْنِى تِلْكَ الْاَصْوَاتِ وَ الضَّجِيجِ وَلَوْ بَعْدَ الْمَسَافَةِ بَيْنَ هَذِهِ الْعُدُوَّةِ الْقَرْبَى وَ تِلْكَ الْعُدُوَّةِ الْقَصْوَى حَتَّى يَنْشُرَ رُوحِى وَ يَفْرَحَ قَلْبِى وَ تَقَرَّ عَيْنِى وَ تَهْتَرَّ كِبْنُوتِى وَ تَسْتَبْشِرَ ذَاتِى بِهَذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَ النُّورِ الْمُبِينِ رَبِّ رَبِّ افْتَحْ ابْوَابَ الْبَرَكَاتِ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ تَقُومُ عَلَى اِعَانَةِ هَذَا الْبِنْيَانِ الرَّقِيعِ وَ الْمَسْجِدِ الْبَدِيعِ وَ الْمَشْرِقِ الْمُنِيرِ اَنْتَ اَنْتَ الْقَوَى الْعَزِيزُ الْمُقْتَدِرُ الرَّؤُفُ الْكَرِيمُ ع ع

[۸۳] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

الهِى الْهِى اَنْتِ اِبْتَهِلِ الْيَكْ بِقَلْبِ خَافِقٍ وَ دَمْعِ سَاكِبٍ اَنْ تَوَيِّدَ كُلَّ مَنْ يَسْعَى فِى تَشْيِيدِ هَذَا الْبِنَاءِ وَ تَأْسِيسِ بَيْتٍ يَذْكُرُ فِيهِ اسْمُكَ فِى كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ رَبِّ اَنْزِلِ الْبَرَكَهَ عَلَى كُلِّ مَنْ خَدَمَ هَذَا الْبِنْيَانِ وَ سَعَى فِى ارْتِفَاعِهِ بَيْنَ الْاَحْزَابِ وَ الْاَدْيَانِ وَ وَفَّقَهُ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ لِنَوْعِ الْاِنْسَانِ وَ افْتَحْ عَلَيْهِ ابْوَابَ الثَّرْوَةِ وَ الْغِنَى وَ اَوْرَثَهُ كَنْزَ الْمَلَكُوتِ الَّذِى لَا يَفْنَى وَ اجْعَلْهُ آيَةَ الْعَطَاءِ بَيْنَ الْوَرَى وَ اَمَدَدِهِ بِبَحْرِ الْجُودِ وَ الْاِحْسَانِ الْمُتَلَاطِمِ بِأَمْوَاجِ الْفَضْلِ وَ الْاِكْرَامِ اَنْتَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمَنَّانُ ع ع

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

[۸۴]

رَبِّ رَبِّ نَوَّرْ وَجْهَ احْبَائِكَ الْمَخْلَصِينَ وَ اَيِّدْهُمْ بِمَلَائِكَةِ نَصْرِكَ الْمُبِينِ وَ ثَبِّتْهُمْ عَلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ افْتَحْ عَلَيْهِمْ ابْوَابَ الْبَرَكَةِ بِفَضْلِكَ الْقَدِيمِ لَا تُهْمُ يَنْفَقُونَ مَا خَوَّلْتَهُمْ فِي سَبِيلِكَ وَ يَحَافِظُونَ عَلَى دِينِكَ وَ يَطْمَئِنُّونَ بِذِكْرِكَ وَ يَبْذُلُونَ اَرْوَاحَهُمْ فِي مَحَبَّتِكَ وَ لَا يَبْخُلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ حُبًّا بِجَمَالِكَ وَ طَلِبًا لِرِضَائِكَ.

رَبِّ قَدِّرْ لَهُمْ جَزَاءً مُوفُورًا وَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا وَ اجْرًا مُحْتُومًا.

اَنْتَ اَنْتَ الْمُؤَفَّقُ الْمُؤَيَّدُ الْبَازِلُ الْمَعْطَى الْكَرِيمُ.

(منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۲۳۵)

[۸۵]

عکس مشرق‌الاذکار را که ارسال نموده بودید رسید سبب نهایت سرور گردید که الحمد لله احبای الهی در مشرق اذکار رحمانی مانند شمع هر یک رخ برافروخته‌اند و بانوار احساسات روحانیّه آن محفل را روشن نموده‌اند.

رَبِّ مَحْبُوبِي وَ مَقْصُودِي اِنَّ هَؤُلَاءِ عِبْدَةُ عَتَبَةِ قَدْسِكَ وَ سَجْدَةُ بَابِ اَحْدِيَّتِكَ قَدْ حَضَرُوا فِي مَشْرِقِ اَذْكَارِكَ وَ مَحْفَلِ اَنْوَارِكَ وَ تَبَتَّلُوا إِلَيْكَ وَ تَضَرَّعُوا اِلَى مُلْكُوتِ اَحْدِيَّتِكَ وَ صَلَّوْا مُخْلِصِينَ لَوْجْهِكَ رَبِّ اَقْبَلْ اَعْمَالَهُمْ وَ اَنْسَهُمْ فِي مَنَاجَاتِهِمْ وَ اَلْهَمَّهُمْ بِدَايِعِ اسْرَارِكَ حَتَّى يَكُونُوا مَظَاهِرَ مُوَهِّبَتِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ زَمَرَةَ صَفْوَتِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ اَنْتَ اَنْتَ اللَّطِيفُ الْكَرِيمُ الْعُطُوفُ الرَّؤُوفُ الْوَدُودُ.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

[۸۶]

منابع

۱. کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، شماره ۵۳.

۲. گزیده ۶۷.

۳. گزیده ۶۷.

۴. گزیده ۶.

۵. گزیده ۲۸.

۶. گزیده ۹.

۷. گزیده ۶۶.

۸. گزیده ۲۸.

۹. گزیده ۴۳.

۱۰. گزیده ۶۷.

۱۱. پیام بیت العدل اعظم مورّخ ۱۴ اکتبر ۲۰۱۶ خطاب به احبای مجتمع در سانتیاگو، شیلی به مناسبت افتتاح

ام‌المعابد امریکای جنوبی.

۱۲. گزیده ۶۹.

۱۳. گزیده ۲۹.
۱۴. گزیده ۱.
۱۵. گزیده ۳۱.
۱۶. گزیده ۳۵.
۱۷. گزیده ۱۶.
۱۸. گزیده ۳۰.
۱۹. گزیده ۲۵.
۲۰. گزیده ۱۶.
۲۱. گزیده ۱۳.
۲۲. گزیده ۳۰.
۲۳. گزیده ۵۷.
۲۴. گزیده ۲۸.
۲۵. گزیده ۶۹.
۲۶. گزیده ۱۰.
۲۷. گزیده ۲۱.
۲۸. گزیده ۳.
۲۹. گزیده ۶۷.
۳۰. گزیده ۶۷.
۳۱. گزیده ۶۷.
۳۲. گزیده ۶۸.
۳۳. گزیده ۶۲.
۳۴. گزیده ۶۸.
۳۵. گزیده ۲۸.
۳۶. گزیده ۳۸.
۳۷. گزیده ۵۸.
۳۸. گزیده ۴۹.
۳۹. گزیده ۵۳.
۴۰. گزیده ۴۵.
۴۱. گزیده ۵۳.
۴۲. گزیده ۸۱.
۴۳. گزیده ۷۵.
۴۴. گزیده ۷۵.
۴۵. گزیده ۳۷.

۴۶. گزیده ۲۵.
۴۷. گزیده ۶۷.
۴۸. گزیده ۴۱.
۴۹. گزیده ۶۰.
۵۰. گزیده ۶۶.
۵۱. گزیده ۶۴.
۵۲. گزیده ۳۸.
۵۳. گزیده ۶۰.
۵۴. گزیده ۱۸.
۵۵. گزیده ۳۸.
۵۶. گزیده ۶۶.
۵۷. گزیده ۶۷.
۵۸. گزیده ۶۷.
۵۹. گزیده ۸.
۶۰. گزیده ۳۵.
۶۱. گزیده ۶۱.
۶۲. گزیده ۶۳.
۶۳. گزیده ۶۳.
۶۴. گزیده ۶۴.
۶۵. گزیده ۶۴.
۶۶. گزیده ۷۸.
۶۷. گزیده ۶۴.
۶۸. گزیده ۶۵.
۶۹. گزیده ۶۴.
۷۰. گزیده ۷۰.
۷۱. گزیده ۶۶.
۷۲. گزیده ۲۰.
۷۳. گزیده ۲۲.
۷۴. گزیده ۵۰.
۷۵. گزیده ۴۸.
۷۶. گزیده ۶۶.
۷۷. گزیده ۶۶.

[یادداشت‌ها]

۱ طهران ←

۲ حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس، در رساله سؤال و جواب، شماره ۱۵ منظور از ”اسحار“ را ”طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن“ تعیین می‌فرمایند. ←

۳ قرآن ۸:۴۲. ←

این سند از [کتابخانه مراجع](http://www.bahai.org/fa/legal) بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۶، ساعت ۹:۰۰ بعد از ظهر